

بدانند و از پی چاره پیش از وقت بر آیند همینکه قوه
جبریه دخیل مملکت ما شد آزادی و حریت دینی و مذهبی
یکلی از دست ما چورود. مساجد و معابد ما مبدل به بتخانه
و میخانه میشود. پردکیان عصمت ما بی برده و عصمت
خواهند شد. ناموس ما دستخوش ادنی سربازان آنها
خواهد گردید ثروت ما را وداع ابدی گفته و با فقر موبد
هم آغوش خواهیم شد. حریت شخصی ما مبدل باسارت
شخصیه خواهد گردید. حکمران ما بمحکومیت منقلب
میشود. آقائی ما بنوکری متعج خواهد شد. بعبارت
آشکار تر شرف و ناموس استقلال، حیثیت انسانیت از
ما خواهد رفت در نظر تمام ملای بی شرف و بی
ناموس و بی حیثیت و اسیر خواهیم بود. و باید دست
خود را از تمام حقوق بشریت و انسانیت و شرف
شسته و نام انسانیت را بر خود اطلاق نکنیم.

ای ایرانیان! ای ایرانیان! آیا غیرت ایرانیگری
و نصب ملی شما روا خواهد دید که مبتلای این بلاها که
اخف آنها ثقیل تر از مرگ است شده و زیر دست
اجانب شویم؟ نه بخدا. مرگ با شرف از زندگی بی شرف
گوارا تر است.

ای وکلای محترم! که در مجلس بفریاد بلند میگوئید
که هر دولتی که امروز بخیمال دست اندازی بچاک ایران
باشد باید تمام ملت را اول کشته بعد خاک خالی را ببرد،
من بنده مخالف این کلامم زیرا اولاً اینکه این حرفیست
واهی. و اگر درست فکر کنید تصدیق میکنید. و
آنکه فرض محال کنیم این حرف هم صدق باشد. چرا
ما باید تمام خود را بکشتن گذاشته و دفع این کشتار را
از خود نکنیم؟ ما که امروز بی چاره نیستیم. دست
ما که از تمام چاره ها قطع نشده. و رشته امید ما که
از هر جا گسیخته نگردیده بخندای احد واحد ما اگر
امروز سعی کنیم استقلال خود را ابدالدهر بیدار توانیم
نموده. چگونه؟ با قوه عسکریه و امنیت داخله.

ولو امروز نفوس ایران یازده میلیون حساب شود
که دست کست. بحساب سایر دول ما از این نفوس
هفتصد و پنجاه هزار سرباز دولتی در مبدان جنگ
میتوانیم حاضر کنیم (غیر از عسکر ملی دو طلب) و
این قوه بالقاً ما ببلغ کفایت حال ما را تواند کرد. و
این مسئله هم اشکالی ندارد. تنها معلم لازم داریم که

جوانان غیور ما را که در بذل جان خود براسی
وطن حاضرند تعلیم داده و حاضر کند
دولت ایران امروز اگر صد هزار سرباز تحت السلاح
حاضر داشته باشد. کافی است کمتر از صد هزار سرباز
امروز کفایت حال ایران را نمیکند زیرا بولتیک و موقع
امروزه ایران دخیل بدو سال پیش ندارد بودجه حزبی
حاضره ایران کفایت مصارف این عسکر را در تحت سلاح
میکند. خرجی که امروز برای این کار لازم است
موجب معلم و خرید مهیات است. و این را هم پارلمنت
باید بر مالیات مملکت منضم نموده از هر چیز واجب
تر این عمل را شارد. بخدای احد واحد اگر درست
ملاحظه کنید خواهید دید که خرج سرباز و خرید
مهیات برای عموم ملت از نان شبینه واجب تر است
ای ایرانیان بخدا قسم خرج کردن و اطافه دادن برای
تدارک سرباز و مهیات آن توابش از حج که فرض دینی
است بمراتب بالاتر است همین قسم زیارت کربلای معلی.
زیرا اساس اسلامیت امروز منززل است. استقلال
وطن را امروز اصل و سایر اصول در مقابل این اصل
بمنزله فرع هستند.

ای وکلای محرم امروز فرض شهادت که مراسم
و عادات قدیم بیفایده سرباز گیری را کنار گذاشته. و
از پارلمنت حکم سربازی بعبوری بمعموم ملت صادر
کنید. و در اجرای این حکم با تمام قوت کوشیده
و بر سایر امورش مقدم شمرده و اجرا کنید. تا
از استقلال وطن مطمئن شوید زیرا بی وجود قوه
حرثیه اعتماد بر استقلال ایران مغایر عقل و بصیرت است.
زیرا این استقلال حاله منززل و عاریت و موقت است.
اما امنیت داخله ای وکلا. ای علما. ای وزرا.
ای سادات. ای طلاب. ای تجار. ای اصناف.
ای عموم را دران اگر دین و ایمان یعنی حب وطن دارید.
امروز فرض دینی و وجدانی و غیرت ملی شهادت که
دست مدت اتفاق داده آتش احتلال را دامن زنید.
بخدای احد واحد قسم که امروز شخص شما سفارت و
قونسولها در حکم هم قابل است از برای استقلال و
حریت شاه. النجای دشمن یعنی خارجه. مکالم سیفیرنی
است. شما با این النجا چنانگان میکنید که دفع ظلم از
خود را کرده اید. نه بخدا بلکه بالکس خود را از

مظلومیت موقتی بمظلومیت موبدگرتار میکنند ، نه تنها خود بلکه اخلاف و اعقاب خود را ، و آنکس امروز جای التجاء باجانب برای شما باقی نمانده است ، زیرا امروز از فضل خدا و توجه امام عصر قانون اساسی در ملک خود دارید ، پارلمنت دارید ، عدلیه دارید ، و در هر ولایت انجمن بلدی دارید ، اگر شما غیرت دارید چرا ملتجی باینها که همه از براسی رفع ظلم تأسیس شده اند نمیکنید و بدشمن پناه میبرید .

ای وکلا چشم بصیرت خود را باز کرده و درمان این دردها را بجوئید ، و یقین بدانید که این التجاها در باطن محرکی دارد ، و این جریخ بی معلم حرکت نمیکند ، آخر التجای باجانب گذشته از اینکه تنگ و بی اموسی ملی است اسباب تزیید نفوذ و بدست آمدن پناه و فرست برای اطادی دین و ملک است ، حکام داخله و سفرای خارجه را او امر قطعی بدهید که ترکیب رفتار خود را تبدیل نموده رعایا را بستوه نیاورند ، التجای اخیراً ایرانیان مقیم مصر دوست و هشتاد نفر بانگلیس برای تخلص جناب زعم الدوله حاجی میرزا مهدیخان مدبر حکمت جعفر باعث شکست شرف و نفوذ ما در نزد اجانب گردید ، ای ایرانیان مقیم مصر چرا بخدیو که حاکم رسمی مملکت است ملتجی بشدید التجای بخدیو ضروری بامور سیاسی ما ندارد و علاوه بر این خدیو مصر خود مسلمان و مهدی ماست التجای باو برای ما تنگ نیست ، اما التجای باجانب باعث تنگ ممالی و در آخر مایه بستی ماست .

باز ای وکلای محترم ! دست التماس بدامان همت و غیرت شما دراز کرده و التماس میکنیم که چاره این درد حائمانوز را جسته و رفع این هرزگهرا بکنید ، و با دقت تمام محرک را جسته و ثابت کرده مجازات قانونی کنید ، اهم از اینکه داخله باشد یا خارجه مثلا اگر محرک قونسول یا نماینده دولتی است اثبات فعل او را با دلایل پنه بدولت متبوعه همان مأمور نموده و بموجب قانون بین الدول عزل و تبعید او را از خان باک وطن بجوایید ، و ریخته این التجا آت را که تیشه بر استقلال ماست از مملکت محو و معدوم کنید ، تا کار بروقی دلخواه عموم وطن پرستان انجام پذیرد . خدایا ترا قسم میدهم بذات اقدس که قوقی

از راه لطف و احسان پارلمنت ایران نهایت فرموده و بر این مشتی جمعیت فلك زده ایران رحمتی فرما
 ﴿ تملیقه یکی از اجله علماء اعلام نجف اشرف ﴾
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

معروض میدارد - انشاء الله تعالی پیوسته بنایات و الطاف غیبیه مخصوص و محض بوده و باشد ، تلوا مرقومه محترمه شرف و سرور بخشید از خوشوقتی و خورسندی آنوجود محترم نهایت مسرت بعمل آمد بقاء و مزید آن را از درگاه کبریائی مسئلت نمودم از وضع سلوک جماعت مستبدین طهران بسبب مصائب مبارکه حادثه اشعاری نغمه بوده ، ولی مستبدین معصین این بقعه مقدسه که آینه جهان نمای تمام اسلام و محل تجسم اعمال است هنوز از جهالت و سفاهت دست بر نمیدارند ، سها اداره بزده باز هم اصرار را تحریک مینمایند ، و هنوز در صحن مقدس و اسواق و شوارع تصنیف مشروطه مظلومه را با کف و رقص شعار خود میدارند ، و عموم طلاب را باسم خروج از دین و مشروطه شدن میآزارند ، بحدی مرتسخ اذهان اصرار نموده اند قبیح مشروطه را که فعلاً افحاش اصرار یا مشروطه یا بی المشروطه است با اینکه نظامنامه اساسی رسیده ، و نورالله از افق هدایت علی رغم الشیاطین نشیب و فراز وطنان را منور ساخته است ، مع ذلک این فرقه فقراً عقل منتظرند که باز ظلمت استبداد شمس هدایت را فرا گیرد ، و میگویند عنقریب است که شاه مجلس و مجلسیان را طعمه توب نماید ، و حق یاج الجمیل فی سم الخیاط را رای العین به بینیم ، (هیبت لما بو عدون ان هی الا اسماً سموها هم و ابائهم ما انزل الله بها من سلطان قرآن مجید هم اشیاء و امثال ایشان را باد فرموده (ان الذین آتینا هم الکتاب یرفونہ کما یرفون ابنائهم و ان فریقاً منهم یکتنون الحق و هم یعلمون) یا خذون عرض هذا لدنی و یقولون سیففرلنا و ان یاتهم عرض مثله یاخذوه الم یؤخذ علیهم میناق الکتاب ان لا یقولوا علی الله الا الحق - فرقه دیگرشان که صورتشان به بشر شبه است خود را داخل در زمرة (ومن الناس من یقول آمنا بالله فادنا اودی فی الله جعل قننه للناس

كذاب لله و ان جا نصر من ربك ليقولن اما كنا معكم اوليس الله يعلم بما في صدور العالمين) می سازند، و میگویند ما هم مشروطه طالب بودیم، و حال هم کمال رضایت را از اختتام این امر مقدس داریم، بدو چون احتمال میدادیم که مواد قانون اروپا را در جزو قانون درج نمایند، لذا قسری مخالفت نمودیم، حال که بحمدالله معلوم شد نزامان لفظی بوده، و همان مقاصد اسلامی که منظور ما بوده در قانون درج شده، کما قال الله تعالی (الآن و قد عصیت من قبل و کنت من المفسدین)

پس این آقایان ندانسته به اعضاء مجلس مقدس نهمت و بهتان میزدند، و آن را ترویج شریعت قلم میدانند، (علی لعنة الله علی القوم الظالمین)

خداوند از خودت ریشه عاماً سوء را از حدیقه اسلام قطع فرما، که همیشه دینش را بدنیای سلطان میفروشد، و از صدر اسلام تا کنون اضمحلال دین و اولیای آن را مینماید، البته در تواریخ و اخبار شریفه ملاحظه فرموده اید که سلطان قبل از معاویه کعب الاخباری داشت هر چه را اراده اش بدانش تعلق میکردت اهل سوء فوراً حدیثی بر حضرت خنی مرتبت (ص) افترا و بر طبق آن فتوی میداد، و هر ظلم و تعدی که میخواست باسم دین بخلق مسلمین میفشرد، تا آنکه شد آنچه شد تا محمدی که بمقصود خود رسید، پس از آن امر کرد عاماً سوء را که احادیث در فضائل بی امیه بطریق عام و خاص جعل کنند، بعد از آنکه آنها شروع یافت، امر نمود تا احادیث در ملقبیت خودش جعل نمایند چون جعله فوق العاده بهر جعل حدیث بذل می نمودند تا باندک زمانی اینقدر احادیث کاتبه بین مردم شایع شد که زیاد از مقصود گردید آن وقت فرمائ داد که دیگر احادیث در این خصوص نقل نکنند، و گفت بسبب اشتیاق من با حدیث نبویه کذب بر آن جناب رواج شده بمرتبه ابواب علم را بر مسلمانان سد نمود که در عهد ساطت سفاح عباسی که امویین را بتل می رساند طساعه کثیره از بی امیه بمطلاق و هتاق نزد سفاح سوگند یاد نموده که ما قرآه و رحی بجهت حضرت (ص) جز بی امیه نمیشناختیم، نمود باقه من شره اهل سوء که دو ثلث قرآن مجید در

مذمت آنها است، مهدی خلیفه عباسی بکوتر بار بود و بواسطه میل او احدی جرأت منع نداشت، روزی اعلم علماء جماعت عصرش بر او وارد شد، درحالتیکه مشغول بکبوتر بازی بود، محض امتحان از آن عالم سوال کرد که این عمل حرام است یا حلال، آن عالم سوء بی معطلی گفت قال رسول الله (ص) لاسبق الا فی ثلث فی حنف او حائر او جناح و حال آنکه حدیث شریف همان حنف و حافر است و آن مثل بنده محض خوش آیند خایه جناح را افزوده خایه هم مانقت کذبش شد، هنگام بازگشتش خایه گفت (اشهدن ففاه ففاه کذاب علی رسول الله) پس فرمود تا کبوترها را سرزدند و گفت وا دار نکرد این مرد را بر این افتراء مگر میل من، بلی حضرت رسول و بقیه ائمه سلام الله علیهم اجمعین زیاده از اینکه امر بمتابعت علماء صالحه فرمودند امر بخذر و مخالفت علماء سوء هر عصری را فرموده اند، از بی (ص) است (اذا رأیتم السلطان بیاب العالم فقولوا نعم السلطان و نعم العالم، و اذا رأیتم العالم سیاب السلطان فقولوا بئس العالم و بئس السلطان) و باز هم فرمود (اذا فسد العالم فسد العالم) در حجة الوداع حلقه در کعبه را بدست میگردد خطاباً با بآذر در اوصاف علماء سوء آخر الزمان میفرماید که قضاة آنها رشوه خور فقهاءشان فسقه، علماء سفك دماء، حضرت صادق آل محمد (ع) بیک نفر از اصحاب خود که مای یکدینار میگرفت و بدرس ابوخلیفه حاضر میشد میفرماید، که والله این عمل تو مثل بت پرستیدن است، و سبب همین افعال شما حق ائمه معدوم شده در خبر دیگر در مذمت علماء سوء و قتلین آنها میفرماید که آنها بدتر از علماء یهود میباشند، و هم چنین عوام مقلدین آنها بدتر از عوام یهودند، و ضرر علماء سوء بر مسلمین بدتر از ضرر حبش یزید است بر حسین بن علی علیهما السلام بواسطه آنکه لشکر یزید باعث شد که جماعی به مرتبه شهادت نائل و مسلمین از جهالت و ضلالت متنبه شوند بکس علماء سوء که بسبب آنها عوام بچلوه را در حیرت جهالت ابدی سرگردان می نمایند الحاصل دوری بینیم فرقه دیگر از مستبدین مثل طوارج صفین ناله دود دین میکنند، و بچلون رزقکم انکم تکذبون را وسیله قرار میدهند و هر زوار و حاجی یا غریب دیگری که

وارد نجف اشرف میشود جماعتی را وا میدارند که ایشان را اگر ممکن است مخالف با مشروطیت سازند، ولو کاربهم از او ساخته نیاشد - خداوند بجرمت عدالت قسمت میدهم که دشمنان عدالت را بآتش عدالت بسوزان والسلام علی من التبع الهدی

صورت سؤالیست که از حجج

اسلامیه نجف اشرف ادام الله برکاتهم

(بتازگی شده است)

حجة الاسلاما چه میفرمائید در باب مجلس شورای ملی که فعلاً منعقد در طهران و شب آن در بلاد دیگر نیز برپاست، آنچه بر حضرت مستطاب عالی در باب مجلس مسطور منکشف و حکم فرموده اید مرقوم و مزین بخاتم مبارک فرمائید که عندالاجاه حجة باشد

جواب حجج اسلامیه نجف اشرف

(ادام الله برکاتهم)

بسم الله تعالی کراراً جواباً واستقلالاً کتباً وتلکرافاً عرض شد که این مجلس شورایی ملی فعلی چون مبنای آن بر رفع ظلم و تعدیات و نهی از منکر است عقل و شرع مطابق است بر حسن و لزوم موافقت و تقویت آن بر هیچ عاقل و متدبیری جایز نیست مخالفت آن (حرره الاحقر عبدالله المازندرانی)

بسمه تعالی

کراراً و سراراً نوشته و گفته و تلکراف نموده ام که چنین مجلس محترمی که تأسیس او و مبنای او بر رفع ظلم و تعدی و تقویت ولت و ملت و حفظ بیضه اسلام و نهی از منکر و امر بمعروف باشد، البته اتباعش لازم و هیچ عاقل و نشرمی نباید تشکیک در این معنی کند و هر که غیر این را بانسبت بدهد کذب و افتراست (الاحقر المحرم الحاج میرزا خلیل مدس سره محمد حسین)

بسم الله الرحمن الرحیم

کراراً از بلاد مجلس محترم شورای ملی از احقر کتباً و تلکرافاً سؤل شده جواب کتباً و تلکرافاً احقر داده که مجلس محترم ملی که فعلاً منعقد است در طهران و سایر بلدان ایران چون مبنای مجلس

بهداقت بر امر معروف و جلوگیری از ظلم حکام و ردع از سایر منکرات است موافقت آن لازم و مخالفت آن حرام است

(حرره الاحقر الحانی محمد کاظم الخراسانی)

مکتوب از مجاهدین تبریز

کوک مبارک حضرت ولی عهد ۱۷ شوال ۱۳۲۴ خواست بجانب طهران حرکت نماید، همان شب حفر خوابیده بودم. در خواب دیدم دو نفر نشسته، سؤال نمودم بیکدیگر مشغول هستید؟ فرمودند که حضرت امام زین العابدین علیه السلام دو فرد عربی فرموده است جهة مشروطه ایران، ما میخواهیم دو فرد عربی را به پاریس ترجمه نمایم.

بنده در جواب عرض نمودم که حضرت امام زین العابدین (ع) هم وطن برسی بوده، جهة اینکه والده محترمه شان سلام الله علیهما ایرانی بود، يك دفعه از خواب بیدار شده، یقین نمودم این مشروطه مدد امام (ع) هست.

صبح خوانتم حضور مبارک رفته بعرض رسانیدم باشم، بعد خودم خیال نمودم شاید طامع شوند، از خوف زرقم، و حالا به جناب عالی عرض نمودم.

روشن است که درین عالم هر کسی زحمت کشیده بر اجر نیست، حقیقت لازم است ما اهالی تبریز هرگاه بکتوان پول جمع نمایم جسمه این بزرگوارها را درست نمایم تا یادگار باشد، از نجف اشرف حجت الاسلام

آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی سلمه الله تعالی - آقای حاجی شیخ عبدالله مازندرانی سلمه الله تعالی - آقای حاجی میرزا حسین طهرانی سلمه الله تعالی - از کلکته آقای مؤید الاسلام - از طهران حجت الاسلام -

آقای میرزا سید محمد آقا طباطبائی سلمه الله تعالی حجت الاسلام آقای آقا سید عبدالله بهبهانی سلمه الله تعالی میرزا سید خان سعد لدوله - آقا میرزا نصرالله خان مشیرالدوله - آقای حاجی امین الضرب - تبریز دو نفر وکلای آذربایجان در انجمن ایالتی هم چند نفر از

جان و مال گذشته زحمت کشیده اند جناب مستطاب آقا شیخ سلیم سلمه الله تعالی - جناب مستطاب آقا میرزا حسین واعظ - حاجی مهدی آقا کوزه کمانی - حاجی محمد جعفر آقا مؤمن - حاجی علی آقا قره دانی -

حاجی رحیم بادکوبه - حقیقت این چند نفر در تبریز خیلی جان فشانی کرده اند ، چند دفعه مستبدین حمله نمودند از توجه حضرت حاجت (عج) بمنصود نرسیدند ، حقیقت این چند نفر در تبریز مجاهد فی سبیل الله بودند خدا نگاه بدارد

از حق نباید گذشت جناب مستطاب آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی هم خیلی همراهی نمود ، آقا حاجی امین التاجار هم زاید بر تحریر همراهی نمودند - عباس آقای مجاهد نوجوان هم خدمت به (۴۰) کرور ملت کرد ، انشاء الله اگر موفق با کمال مشروطیت شدیم مجسمه این بزرگوار را یادگار میگذاریم چه فایده از بدبختی ما آقای حاجی ملا عبدالرحیم طالب اف سامه الله الثقات نه نموده تشریف بوطن نیساورند خوب بود حال که تشریف خرمای طهران نشدند افلاً تبریز بیایند و این معدن هائیکه در ناف آذربایجان است برون آورده مردم قدری آورده شوند ، والله بالای چشم خودمان نگاهشان مبداریم . آقای حاجی ملا عبدالرحیم تشریف بیار ، وطن مقدس شما را صدا می نماید ، حیف است وجود مبارک شما در خارج بماند ، خدا را قسم میدهم با روح ادبانه که آبروح شاه منور مظفرالدین شاه را شاد نماید و سپس پادشاه جوان ما را هدایت کند که حرف بعضها را قبول ننموده ملت را آورده بدار حاکم حایه نواب والا فرما فرما حقیقت بدر است ، چه قدر مهربان چه قدر رعیت نواز چه قدر خوش قدم الحمد لله روز بروز نرخها اتزل نموده نان هشت عباسی بود گوشت چهار هزار و چهار عباسی حالا نان هفت عباسی و گوشت چهار هزار خداوند ایچور حاکم ها را طول عمر بدهد اطراف تبریز هم امن وامان میشود دعا باید به تمام که در جمیع شهرهای ایران ایچور حاکم فرستاده شود آقای مؤبدالام همه این ها از قلم شهاست حقیقت مثل سید مرتضی اعلم الهدی شاهم زحمت کشیدید چه طور آن ترا گوار زمان سابق مذهب جعفری را آشکار نمود جناب عالی هم عدالت و مساوات مشروطه را آشکار نمودید ، چند ماه قبل جان مهان بودم از قضا همه از مستبدین بودند بککنفر از آنها گفت جیل المذین هم جبرئیل شده از همه دنیا خبر میدهند و رعیت را بیدار نمود ، ما باید از این باید دهات های خود را بفروشیم

و فرار کنیم نمیکذاره کارها بروفق مراسم ما پیش رود بنده را خنده دست داد

گفتم ملت ایران از انبار داری و احتکار شما و ظلم بیدار شده خودتان ملاحظه امروز را نکردید ، خدا به شما هر بدهد ملت را خوب بیدار نمودید ، هرگاه چهل سال قبل شما انبار دار بودید ملت چهل سال قبل مشروطه شده بود ، هرگاه مردم آسوده و ان ارزان بود این رسوائی ها بار نمی آمد و ملت هزار سال دیگر هم بیدار نمی شد همه تقصیر شهاست لطف حق با تو مداراها کند چونکه از حد بگذرد رسوا کند

میدانم چه جور قلم را مدح کنم پیراهن یوسف یا عصای موسی و یا نفس عیسی بگویم ، هرچه بگویم از هزار يك نكفته ام پانزده سال است نامه مقدس را مطالعه نموده ایم هرچه حضرت عالی درج نموده اید شده از آنجمله در جنگ روس و ژاپون درج فرمودید روس مغلوب می شود شد ، در نامه مقدسه سال ۱۳۲۲ درج فرموده بودید ایران حکماً ترقی مینماید نمود ، و چند فرد از اشعار آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی هم در حق مشروطه اشاره شده بود الحمد لله شد ، جهة خوشحالی جنابعالی عرض نمی نمایم قلم در گردن جمیع ملت ایران حق بدری دارد دعای جنابعالی هم واجب است جهة ملت جانم فدای قلم باد

ای مؤبدالاسلام ای غصه خور ملت ایران استدعا دارم حضرت عالی ایران تشریف فرما شوید و از راه جلفای تبریز تشریف آورده باشید عهد نموده ام که زیر پای مبارکت يك غلام بچه دارم پنج ساله قربان نمایم بلکه حق جنابعالی را ادا نموده باشم مثل اینکه حاجی محمد صادق طهرانی خواست دو پسر خود را جلو وکلای محترم آذربایجان قربانی نماید مؤبدالاسلام تعجب نکنید ما آذربایجانی ها از جان و مال در حق مشروطیت گذشته ایم چطور عباس آقا نوجوان بذل نفس نفیس کرد ، جان خودش را فدای ۴۰ کرور ملت نمود

دو مطالب دارم هرگاه وکلا فصول نگویند عرض می نمایم اول گوشت در جمیع شهرهای ایران گران است علاج ارزانی گوشت این است که حکماً بجاس شورانی ملی در خراسان شیراز همدان قم و ...

شهرها قدغن نمایند بره کشتی موقوف شود، سالی چندر از روسیه تاجر میآید جهت پوست بره وقتیکه بره کشتی انشاءالله موقوف شد بره بعد از ششاه هر یک پنج من گوشت پیدا می کند آنوقت گوشت ارزان میشود فقرا دعاگو میگردند

عرض دوم این است سنگ های وزن ولایات ایران مختلف است سنگ تبریز هزار مثقال، سنگ انزلی آسنارا گروانکه و بوطه است - سنگ طهران سیر ۶۴۰ مثقال است سنگ رشت (۱۷۸) مثقال، همدان نه عباسی ۸۰۰ مثقال از آن تاریخ که ناصرالدین شاه را کشتند بنده آرزو میکردم که خداوندا میشود ولایت ما هم نظم پیدا کرده اقلأ مثل روسیه از طلا بگیر الی ملک همه يك وزن باشد هجرت آنکه در خود تبریز جان را بوزن گروانکه و سایر چیزها با بستگ هزار مثقال طهران دو سیر سه سیر - مکران که اسم من دارد برنج را آدم باید بار بگیرد راست میگویند از وزن جمیع شهرها اگر عرض نایم طول می کشد هرگاه مجلس کبری وزن ایران را به يك منوال به نماید خیلی سهولت در کارها پیدا می شود هرگاه جناب عالی صلاح بدانید وکلاء محترم را متوجه نمایند شاید قبول نمایند سنگ اختراع کنند مهر دولت هم داشته باشد هم در طهران جهت بیکارها کار پیدا میشود و هم جهت دولت مداخله باید میگردد اقلأ ده کرور اهل ترازو هست همه باید با سنگ داد و ستد نمایند، و اسم سنگ را مظفری بگذارند همه شهرها هزار مثقال باشد مثل تبریز گوشت یکمن چهار هزار یکصد مثقال دو عباسی ۵۰ مثقال يك عباسی ۲۵ مثقال صد دینار ۱۲ مثقال و نیم یکشاهی، نان یکمن یکقران صد مثقال صد دینار (۵۰) مثقال یکشاهی (۲۵) مثقال نیم شاهی سنگ را بقرار ذیل اگر مقرر دارند بد نیست

کوچککش ۲۵ مثقال - بعد ۵۰ مثقال - و ۱۰۰ مثقال - و دوست مثقال - و سیصد مثقال - و پانصد مثقال - و هزار مثقال - هفت پارچه باشد

یاد دارم وقتی یکی در نامه مقدسه مرقوم فرموده بود ضراب خانه را بسته اند عمه بیکار مانده، جناب آقا از آرزویکه ضراب خانه بسته شده منات روسی از شش هزار و ده شاهی به چهار هزار رسیده مجیدیه طلای عثمانی

شش تومان بود حالا چهار تومان و شش هزار شده بول خارجه تنزل نموده است هرگاه جنیدی ضرابخانه ایران کار نکند امیدواریم مثل سابق منات روسی دو ریال مجیدیه دو تومان و هشت قران تا مال خارجه ارزان شود از روی این میزان قند نفت و سایر چیزها ارزان میشود وقتی طهران قران سکه می نمودند خودم چند سال از رشت به بادکوبه قران فرستادم بطریق جنس برای فروش انشاءالله همین که بانگ ملی واز شود و اسکناس خود بانگ بیرون بیاید اصلاح بسیاری از کارها خواهد شد، درست سواد ندارم عیبه نگیرید عرض دیگر آنکه از آروز سکه نیم شاهی ۲۵ دیناری موقوف شده بسیار مردم مشغول ذمه هم میشوند، استدعا دارم در نامه مقدسه درج نمایند اگر وکلاء صلاح دانند مجلس حکم نماید قدری نیشاهی سکه نمایند تا مردم مشغول ذمه یکدیگر نشوند

دیگر آنکه جناب قدری فرنگی مآب ها را مذمت نمایند اول از جرم فرنگ کفش نه پوشند ۱۴ ماه است مشروطه شده ایم ابتدا از مال خارجه یکی را ترك نکرده اند، کفش دوزها لامحاله قسم بخورند بعد ازین کفش از جرم فرنگ نه دوزند دیگر سابون فرنگ مصرف نه نمایند خداوند عمر بدهد فرما فرما را کلاه تمد ایرانی بسیار قشنگ بسر گذاشته است خوب است وکلاء را خطاب نموده عرض نایم ای وکلاء مال وطن به پوشید اعلاان بدهید هرکس مال خارجه به پوشد منفور ملت باشد بلکه مال ایران رواج گیرد - خیال فرما فرما این است مدرسه دارالفنونی در تبریز بنا نماید، هر وقت بنساخته عرض خواهم نمود شاهزاده امامقلی میرزا يك کشتی بخار در دریا چه ارومیه انداخته ولی تاجر های تبریز و اهلیان ده فرسخ راه از تبریز تا کنار دریا راه شوسه درست نمایند گویا منتظریم که روس ها درست نمایند و همه را بیچاره نمایند تعمیر این راه خیلی مداخله دارد

(دعا گو محمد شفیع مجاهد نصرالله زاده)

انقاد انجمن ولایتی بندر عباس
۱۶ شوال المکرم (۱۳۲۵) در نجارخانه حاجی امین التجار هموم ملت از تجار و اهلیان و ملاکین و فلاحین و اسناف و کسبه و خوانین از هر طبقه حاضر

هنده جناب امين الوزاره نائب الحكومه عباسي هم حضور پيدا كرده بعد از آن آقا عبدالوهاب منشي جناب حاجي امين التجار تعليقه جناب دريايكي را خطاب بعموم تجار و اهالي بندر عباس قرائت كرده بعد از محاورات زياد اكثريت آراء قرار گرفت كه در مدت ده روز هر صنف دو نفر براي خود انتخاب كرده و از هر يك بولك عباسي يك نفر منتخب خواسته مشغول مشاوره شوند و بعد از آن مندوب خود را براي بوشهر و طهران معين كنند ، بعد از گرفتن اين نتيجه جناب سيدالسلطنه اصمهاي راجعه به حقوق ملت را در قانون اساسي براي طامه قرائت كرده و بابت افتتاح مدرسه بحث شد - فورا جناب حاجي امين التجار و عموم افتتاح دبستان را بر خود فرض دانسته قرار دادند دفتر اطافه براي تاسيس مدرسه باز شود - در اول خود اقدام در اعطاي اطافه نمود و ديگران ناسي بان وجود محترم جستند حاجي امين التجار قرار داد براي مصارف دبستان بر هر مال التجاره كه وارد و صادر مي شود يكشاهي به تحويلداريكه براي دبستان به اكثريت آراء تامين شود به پردازند و همه تجار ايران پرست كه حاضر بودند قبول كردند

همچنين

۴ شهر ذيقعدة (۱۳۲۵) در قرائت خانه انجمن جاويد عباسي اهالي حاضر شده جناب ميرزا اباعبيل خان نائب الحكومه و جناب موسي خان مدير گمرخانه عباسي هم بود ، مجدداً مذاكره شد بابت مدرسه اكثريت آراء بر اين قرار گرفت كه هر چه زودتر ممكن شود مدرسه افتتاح گردد ، و حضار پنج نفر ذيل را منتخب و معين نمودند كه هر نوع ترقيات مدرسه جاويد را لازم باشد بصحة و صوابيد آنها جاري و ساري گردد -

جناب حاجي امين التجار - جناب حاجي شبيخ احمد تاجر كاه داري - جناب حاجي محمد شريف ملك التجار - جناب آقا غلامعلي تاجر خرا - جناب حاجي مهدي تاجر لاري

بعد از ختم مجلس منتخبين پنجگانه مجاسي نموده قرار دادند كه در قراةخانه انجمن جاويد عباسي مجاسي شود و ورقة اطافه براي مدرسه تقسيم شود هر كسي

باندازه همت خود وجه اطافه معين كند و اشخاص پنجگانه ، جناب حاجي امين التجار را رئيس خود قرار دادند و جناب آقا غلامعلي تحويلدار وجوهات اطافه مدرسه ، و وجوهاتي كه تعاق به بارهاي وارده و صادره هر يكشاهي كه معين نموده اند قرار گرفت و مجلس ختم گرديد ، اميد و اريم كه عموم اهالي عباسي تاسي به جناب حاجي امين التجار نموده در آبادي وطن بكوشند در تربيت نوجوانان وطن همت كنارند و در تقويت و اطافه مدرسه جهد و كوشش كنند

(عبدالوهاب حاجي محمد اوزي)

تلاکرافات

§ (ديوك و دجس فايف) بانفاق دختران خود براي تبديل آب و هوا رهسپار (جبل طارق) شدند .

§ از اداره جنگ انگلستان به (لقتت اودس) امر شده كه استعفا از خدمت نمايد و رنه نامش از فهرست افسران خارج شده خواهد در آمد

(۸ ذيقعدة - ۱۴ دسمبر)

§ جرايد (نيويارك امريكا) مي نويسند كه تمام مستخدمين ژاپوني دودسته جهازات جنگ بحر (بسفيك) كه فعلا در (همتن رودس) اقامت نموده فرود آورده اند چه نقشه ملتين ها و توپها را مي كشند § (ديوك و دجس آف كنان) از (مارساس) تاريخ دوم جنوري سنه ۱۹۰۸ بطرف (مالت) روانه خواهند شد

§ امپراطور آلمان در (امستردم) در جواب تحريك نوشيدن جام نحت مانكه (واهلپمنا) اظهار داشته كه در بر قرار داشتن صالح بين دولتين آلمان و (هولند) سمي بايغ خواهد نموده چه (هولند) جائ است كه در آنجا آبا و اجدادشان تعليم مانكداري و سلطنت آموخته اند

§ در ساحل جنوبي انگلستان طوفان سختي و بارش شديدي شده - جهازات را نقصاني بسيار رسيده - سيممي تلگراف ياره شده و در دريا چه (نيمس) و (سپرن) طغياني و باران منقصت زياد وارد آورده

§ (ديني زولو) امير يا پادشاه زوله ، پس از طلع از حكومت و گرفتاري او بجناب (درين) رهسپارش

(۱۲ ذی قعدة - ۱۵ دسمبر)

§ (لارڈ کلون) وداع زندگی نمود ، مردی
فیلسوف و از حکمت بهره وافی داشت

§ مخبر (روز) از (موگادر) ۸ دسمبر خبر
میدهد که (مولی حفیظ) اقدامات و مساعی فوق العاده
در تصرف (مرغان) نمود ولی کامیاب نشد ،
سرکردگان قبایل از او دوری گزیده با سلطان
عبدالعزیز متفق شدند (مولی حفیظ) در (مراکو)
تحت محاصره است

§ درشالی (اتلی بورو) که از مضامین (شاشوسیتیس)
امریکاست بنگ ملی جواهر فروشان بند و بیشتر از
یک میلیون (دالر) کسر دارد ، نحویلدار ننگ خود
کوی نموده است

§ تلگرافی از (بلوچونین) پای تخت (آرچ)
رسیده که اولین مجلس شورای ملی افتتاح شد و وکلا
قسم یاد نمودند

§ بین (بران) و (کون هیکن) تلگراف بیسیم
جاری گردید -

(۱۳ ذی قعدة - ۱۹ دسمبر)

§ شورای عالی هند نصف ملیون لیرا قرضه
هندوستان را ادا نمود -

§ در (نیویارک) (امریکا) انتشار یافته که بعد
از روانگی دسته جات قشون بحری در دریای (سفیک)
(امیرالبحر ابوانس) اظهار داشته که وی از طریق
(آبنای سوئز) خواهد رفت -

§ در (نیویارک) بحث در این موضوع می شود
که آیا عظمت و اقتدار دسته جہازات بحری چنانچه
مشهور شده میباشد یا نه -

§ جنازه (کینگ اوسکر) امروز تکفین و تدفین
شد نش او را با کمال شوکت و جلال برداشتند
بادشاه (دنمارک) و (سوئد) و ز پرنس آرثر کلمات
بای پیاده و ملکه های اقلب از مالک در کالسه
به تشییع جنازه تا کلیسا شرکت داشتند

§ (لارڈ کلون) در خاکناه (وست منستر) ۲۳
دسمبر مدفون خواهد شد

§ در (نیوسونیه ویلس) باران خوبی باریده زراعت
فصل نیک بنظر می آید

نمودند ، (کرنل مکزی) بقاوت را از اطراف دور
کرده مراجعت به (نونگوما) نمود ، تفنگهای قبیلہ
(اسونو) مفقود گردیده است ،

(۹ ذی قعدة - ۱۵ دسمبر)

§ ده نفر از سرداران (دبی زولو) گرفتار شدند
§ در (پترسبرگ) اصلاح خواهان را که (۳۷) نفر از
اجزای (دوما) هم شامل آنها بودند به جلاء وطن
در (سیریا) محکوم شده و (۲۲) نفر دیگر را نیز
بسیزاهای سخت رسانیدند

§ یک دسته فوج فرانسه که (۳۰۰۰) نفر بوده اند
از (لاله پامانیه) بسوی قبیلہ (بنی حسن)
بضت نموده اند ،

(۱۰ ذی قعدة - ۱۶ دسمبر)

§ در (احمد) دبروز صبح قرب اردوی فرانسه
صدای شلیک شنیده می شده

§ روزنامه (پترسبرگ) می نویسد که بسبب کمی جا
در محبس (سیریا) و زیادتی قیدیان قیدخانه (سخالین)
را تعمیر می نمایند ،

§ در محکمه معظمه یک نفر حبشی از مرض وبا
هلاک شده است ،

§ مخبر (روز) از (توکیو) خبر میدهد که ولیمهد
(کوریا) و (مارکوئیس ایتو) وارد (توکیو) شدند ،
دولت ژاپون در ازدیاد قشون ژاپون سعی است
§ (دبی زولو) با همراهانش وارد (پاریس برگ)
گردیده و در محبس جایشان دادند ،

(۱۱ ذی قعدة - ۱۷ دسمبر)

§ (لارڈ کلون) قریب المرگ است ،
§ دره (اسفه) را اردوی فرانسه بعد از هشت
ساعت جنگ سخت تصرف نموده از قشون فرانسه
(۱۶) مجروح و از قبائل (بنی حسن) بسیاری مقتول
شده اند

§ خبری از کابل رسیده که امیر فصل زمستان را
در قندهار بسر می برد ، و در صدر رفتن انگلستان
و نظام این مسافرت است ،

§ اداره رهلیه فرانسه بکفالت جواهرات یک میلیون
و ربع فرانک به سلطان (مراکو) داده است ،

(۱۴ ذیحجه - ۲۰ دسمبر)

§ اداره نظمیہ ارادہ دارد کہ در قشون شمشیر ژاپونی استعمال شود ، چه شمشیر ژاپونی (۲) ایچ از شمشیر انگلیسی دراز تر است و در ملچوریا تجربہ شدہ کہ زیاد کار آمد است

§ در کار خانہ بنیہ (نیو انگلند) در ماہ جنوری و فروری سنہ (۱۹۰۸) از نخمینہ فیصد (۲۵) کتر کار خواہد شد از این رو احتمال بیکاری (۱۵۰۰۰۰) فقر مزدوران می رود

§ تلگرافی از (واشنگتن) رسیدہ کہ در مجلس شورای ملی بعد از اہتمام مباحثات دو نفر از وکلای زدو خورد نمودہ سایر این آنها را جدا نمودہ معلوم شد کہ چشم یکی را ضرب شدید رسیدہ و دیگری را سورت خون آلود بود

§ وکیل (کبانی لوید) از پورت سعید می نویسد کہ مزدوران معدن زغال دست از کار کشیدہ از این جہت احتمال تأخیر در روانگی جہازات آتشی میباشد

تلکرافات روتر راجع بایران

(۹ ذیحجه - ۱۵ دسمبر)

§ بموجب تلگرافیکہ از طهران رسیدہ دو نفر از از سربازان در بازار دو نفر از دوکانداران را بقتلہ رسانیدہ قاتلین مقیداند ولی ورتہ مقتولین و انجمنہای ملی طهران مصر اند بقصاص فوری قاتلین ، دکان و بازار بستہ شدہ و اہالی در مجلس شوری ازدحام نمودہ بعضی ہم با سلاح هستند ، ہیئت وزرا استعفای خود را بمجلس تقدیم نمودہ بقشون و محافظین عمارت سلطنتی فشنک تقسیم شدہ شاه نظام الملک و نظام السلطنہ را طلب کرہ است

§ مجلس شورای ملی خبر یافته کہ حسب الحکم پادشاہ ناصر الملک رئیس الوزرا وزیر مالیه ، و آصف الدولہ وزیر خلیہ گرفتار شدہ اند ، مجلس شورای ملی سخت بہ پادشاہ پروتست کردہ ، و مفصلاً جواب خواستہ و اظهار شدہ است کہ تا جواب نرسد از مجلس بیرون نخواہند رفت ، و اہالی دور پارلمان برہ زدہ منتظر جواب اند ، عامہ را عقیدہ این است کہ پادشاہ برای مو سواندہد مخالفین مجلس حرکت می نماید

(۱۵ ذیحجه - ۱۶ دسمبر)

§ بواسطہ گرفتاری دو نفر وزرای مستعفی کہ بحکم شاہ شدہ سخت انقلاب بلتیکی در طهران نمودار گردیدہ باکال سختی و منہای فوت مجلس شورای ملی بر این حرکت (خلاف قانون) شاہ اعتراض نمودہ است ، افق سیاست ایران خلی مکدر مینماید شاہ بقوت مخالفین مستعد منازعہ با ملت خود شدہ است

§ روز نامہ (طمس لندن) در مقالہ مخصوص خود می نویسد کہ ایرانیان لایق و قابلہ در کمال سرعت این مصائب را از خود دور و این انقلابات را از مملکت رفع خواہند نمود ، ضمناً متأسف است از اینکه ترکان درین موقع نازک مبعخواہند از ایران قائدہ حاصل نمایند عقیدہ طمس این است کہ تا دول سائر متفقاً ترکان را از زیادتی باز ندارند فعلاً چیزیکہ جلو ترکان را از حیالات فتوحات ایران بہ نماید بہ نظر نمی رسد

§ شاہ ناصر الملک رئیس الوزرای ایران را کہ گرفتار نمودہ بود اجازہ دادہ است کہ بطرف اروپا سفر نماید (یعنی حکم مجاہد وطن او دادہ است) مجلس شورای ملی درین مادہ باشاہ مشغول مخبرہ است و هنوز وزرا مقید اند

(۱۱ ذیحجه - ۱۷ دسمبر)

§ وقایع نگار طمس از طهران **نارپ** دادارہ موسوفہ تلگرافاً خبر دادہ است کہ بر حسب اشارہ سفير انگلیس کہ ناصر الملک رئیس الوزرای مستعفی دارای اشاناتی از دولت انگلیس است کہ حمایت او بر دولت شارالیا لازم تواند آمد پادشاہ او را رها نمودہ است

مخبر روتر از طهران خبر میدہد کہ دواین روس و انگلیس مشورہ می نمایند در رفع انقلابات ایران و بہتری حال آن بیاد شاہ اتہام حجت میدہند

مخبر روتر از طهران خبر میدہد کہ مجلس شورای ملی از طرف عامہ ملت ایرانیہ رسماً اعلانی (مانی فستو) بجمیع دول باین عنوان دادہ اند کہ پادشاہ جوان ما براہ نمائی مفرضین کہ نہ یسند بر خلاف قانون اساسی و سلامت روی حرکت می نماید و نیز در همان (مانی فستو) دول و ملل عالم را متوجہ ساحلہ اند کہ اجحافات پادشاہ را در حق تانی آنها نگران باشند و تأییدات منوی خود را در احقاق حقوق ایرانیان

(۱۵ ذی‌قعدة - ۲۱ دسمبر)

§ سفیر دولت روس مقیم طهران در جواب اطلاع نامه (مینوفستو) ملی ایران جواب داده که دولت روس در امور داخله ایران هیچگونه تصرفی ندارد فقط در حفاظت سرحد خود و محافظه رطابای حلیش سعی خواهد بود

اعلان

تاریخ سرجان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریس لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل‌المتین کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتواند رجوع نمایند ، نقشه ایران نیز علی‌حده بقیمت دوروپیه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل‌المتین با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل‌المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره بومیه جبل‌المتین رجوع نماید - قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است)

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره جبل‌المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران يك تومان ، اجرت پست به ذمه خریدار است

دریغ ندارد

§ وقایع نگار طمس از طهران تلگرافاً با اداره موصوف خبر داده که هزار نفر حامیان شاه در میدان توپخانه جمع شده و غمناز سلطنتی را با توب تحسین کرده اند و نیز ده هزار نفر فدائیان وطن عمارت شورای ملی را از چهار طرف فاصله يك ميل سنگر بسته فامه شدی می نمایند و برای محافظه و محاصره آن حاضر اند - دکان و بازار ها بسته است

(۱۳ ذی‌قعدة - ۱۹ دسمبر)

§ مخبر روزن از طهران خبر میدهد که از دسام خاق که در میدان اطراف و جلو عمارت شورای ملی بود از شنیدن اینکه مناقشات بین شورای ملی و پادشاه رفع گردیده کم کم متفرق گردیدند این خبر خیلی موثر امیدواری گردید - طرف عصر يكبك در میدان آواز شایك بلند شد مجدد اهالی در میدان جمع شده برای توقف مثل سابق خطبه بر سر پا کردند

(۱۴ ذی‌قعدة - ۲۰ دسمبر)

§ مخبر روزن از طهران خبر میدهد که از مداخلات و وساطت علمای اعلام و اصحاب آن بزرگواران جوش و خروش اهالی کم گردید و کم کم دارند بکارهای خویش مراجعه مینمایند ، نظام السلطنه مأمور به تشکیل و انتخاب هیئت وزرای جدید گردیده است

§ سرادورد گری وزیر خارجه انگلستان ضمن نطق خود در (بروك) من باب اتحاد دولت انگلیس با دول - تره در خصوص ایران چنین اظهار میدارد § معاهده دولتین روس و انگلیس بر طرف داشت خدشه و بدگونی را از طرفین در باره ایران ، علاوه بدون اینکه هیچگونه ضرر تجارتي بمسافر ایران برسد از حیالات سرحدیه هند آسوده شدیم ، یکی از مشکلات بزرگ دولتین روس و انگلیس تصرف در امور داخله ایران بود که هر آن از طرفین نگران آن بودند و این معاهده ، دولتین روس و انگلیس را منع میکند از تصرف در امور داخله ایران تا زمانیکه ایرانیان حمله بر رعایای خارجه نه نموده و حقوق آنها را پای مال نکرده اند ، ازین رو ایران بجز خود گذارده شده که بهر قسم صلاح خویش داند اصلاح امور داخله خود را به نماید

● جبل‌التین کلکتہ ●

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Hablu! Main Office
4, Medical College Str.,
CALCUTTA.

● کلیه امور اداره با ●

مدیرکل مؤیدالاسلام است

● هر دوشنبه طبع ●

و سه‌شنبه توزیع میشود

● یوم دو شنبه ●

۲۴ ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری

● نامه مقدسه ●

المبتلیک

● سنه ۱۳۱۱ ●

● قیمت اشتراك ●

سالانه شش ماهه

● هند و برمه ●

۱۲ روپيه ۷ روپيه

● ايران و افغانستان ●

۲۰ قران - ۲۵ قران

● عثمانی و مصر ●

۵ مجیدی ۳ مجیدی

● اروپا و چین ●

۳۰ فرانك - ۱۶ فرانك

● ايران و همسایگان ثلاثه ●

شاید کسی انکار نتواند نمود که ملت و دولت ایران از یکصد سال باین طرف بالا‌صالحه دارای مسلک پانتهیکی نبوده . و درین مدت مدید احیانا اگر هم حرکات پانتهیکانه از آنها بمناسبت شهود رسیده . من غیر اراده بوده است ساده تر عرض شود حیات پانتهیک از ایران مفقود . و روح پانتهیکی ایرانیان قبض شده بود . و ازین رو پانتهیکی خاص نداشتند . پانتهیکشان هماره تابع یکی از همسایگان صاحب‌فرد بود . و همین فقدان ماده پانتهیکی سبب بود که درین یکصد سال منافع عمده پانتهیکی خود را ایرانیان گم کرده . و مقتضیات وقت را در نمانده همسایگان خویش از دست داده اند . که از آنجمله نکول اتحاد نابلیوت و چشم پوشی از حقوق شاهنشاهی خود در افغانستان است

بلی اگر وقتی که ما هرات را تصرف کردیم و در جلوهگیری دولت انگلیس بوشهر را تسخیر نمود ابرایها واقف باوضاع هندوستان بودند و منافع پانتهیکی خود را می شناختند . و همان قشون موجوده را از افغانستان گذرانده توجه بحساب هند میگردید با آن عام‌البیوت هند انگلیسان بدون مدافعه بوشهر را محاصره نمود . رضا میدادند که حدود ایران و هند همان حدود معینه (داد) با محمد شاه باشد

هائشم گرفتاریهای مخالفه روس که درین قرن چند نوبت با موقع بیکو داد اگر حس پانتهیکی داشته بودند تدبیر بقسمی که رشته اتحادمان هم کسبخته شود حقوق از دست رفته خود را بدون جنگ و جوش

حاصل نمائیم و همین فرار با عنای بی‌اگر ما حس پانتهیکی با اندازه بونان هم داشتیم در گرفتاریهای عنانی به تدابیر پانتهیکی میتوانستیم حقوق خودمان را از هراتی عرب و ایالت وان وغیره با کمال تزاوت حاصل نمائیم بدبختانه چون روح پانتهیک ارما جدا شده بود درین مواقع عذیده ابتلای همسایگان خود هم بجای نفع نقصان حاصل نمودیم شرح و بسط این مقال و خطاهای فاحش پانتهیکی ایرانیان درین قرن اخیر مفصلا در رساله که موسوم است به (خطاهای صد ساله پانتهیک ایران) نموده ایم چون بغور در تاریخ صد ساله اخیر سیر نمائیم و مقتضیات پانتهیک هر زمانه را به نظر دقت بشکریم تقاسم خواهیم نمود که درین یکصد ساله اخیر ایران دارای هیچ مسلک پانتهیکی نبوده . بلکه حیات پانتهیک خود را گم کرده و احیانا هم اگر شرکت در معاملات پانتهیکی نموده متحرک حرکات همسایگان خویش بوده است بدون اینکه نفع و نقصان حرکات خود را در ماده خویش استنباط نماید . چون دارای روح سیاست و مسلک مستقیم پانتهیک نبود درین مدت در هر شرکت پانتهیکی با دول بهوض نفع نقصان حاصل نموده است . حتی از وفق هم که دولت ابروت کاستونیوشن شده . بواسطه مخالفت دولتیان روح پانتهیک در ایران ندمیده . و براین مسلک مستقیم پانتهیکی برای خود معین نکرده اند . ولی شک نیست که ازین و بعد ایران دارای پانتهیک صحیح خواهد شد . و مسلک مستقیم باقی برای خود اختیار خواهد نمود . خوب است ازین و بعد جراند ملیه درین ماده بحث نموده توضیحات لازمه را بهات و دولت طمعند

رجال دولت و وکلای ملت باید این نکته را مانع

باشند که بحث جراند ملیه در مقتضیات یاتیک دولت متبوعه خود و همسایگان و سائر دول متحابه به چوچه نزاکت بین لدولی را از میان مرتفع نماید برای توضیح این باید قدری سرجه بگرد خارج نمود همذلا در چنینکه ابراطور آلمان رونق افروز انگلستان و جمع مات انگلیسیه سرگرم بپزائی این مهمان عزیز هستند یکی از جراند آلمان مینویسد

«شبهه نیست که آفتاب اتحاد امروزی ما با دولت انگلیس بدرجه محکم شده که در هیچ زمان افق سیاست آلمان و انگلیس را چنین صفا و روشنائی نمودار نبوده، ولی نمیتوان گفت افق سیاست ما و انگلیس هماره صاف و روشن خواهد بود چه در هر فصل و موسم لابد ابرهای کدر آمده این افق را مکرر خواهد نمود، بسا هست این ابرهای تیره و تار بیک باد مرادی از هم متلاشی شده فوراً افق سیاست را صاف می نماید ولی نمیتوان هماره یقین کرد که هوای مساعد خواهد وزید چه بر عکس هم ممکن است که هوای عمام ابرهای کدر را بروی هم متراکم نموده، سیاهای دمان جاری و حرابهایی بی پایان سازد پس چه ضرر دارد که ما در عین و شائ افق سیاست آلمان و انگلیس چنان تصور کنیم که ابرهای کدر متراکم شده، و افق سیاست انگلیس و آلمانرا مکرر ساخته، میدان جنگ بین آنها آراسته شده، و ما بجز رسم که بر انگلستان حمله نمائیم اخبار موصوف پس از این مقدمه شروع میکند بپیدن آرائی بین آلمان و انگلیس و توازن قوی طرفین و در این هر طرف و مورات پلنیک و منسبت پیش از کار، عاقبت دستة کلام را بجای میرساند و حان مدال میدارد و زروی غشه حرکت که چهارات چنینی آلمان نیز بر انگلستان را عرصه نموده چنان و چنین شایک بر قواع آن می نماید

آن وقت مناسب است پلنیک آلمان را در انگلستان می نویسد، من جمله میگوید در چنین موقع اهلی (اثر لند) که مدهاست در سر آزادی خود مخالف با انگلیسان میباشد، حلی ایاب پشرفت امر آلمان در داخله انگلستان خواهد گردید و - - - و - - - با اندازه پنج ستون

در جواب آن یکی از جراند انگلیسی بطلان عفاذ جریده آلمانی را نموده، نقشه موهومی جنگ را بدلیل و برهان فنی ابطال کرده، نقض امر آلمان را نموده و این خیال را خام می نماید، و ظهیر میدارد که در صورت وقوع چنان واقعه آلمان را چنان مشکلات در پیش خواهد آمد، و در وقوع چنان جنگ آلمان دچار فلاس و فلان مشکلات واقع خواهد گردید، و انگلیس در

فلان و فلان ماده در نفع خواهد ماند
عجب تر آنکه این عناوین را رجال دولتین هم بالمشافه موضوع بحث خود قرار داده، و اهدا این گونه، مقالات را مخالف اتحاد رساله دولتین ندانسته، منافی با نزاکت بین لدولی نمی پندارند، علاوه بر این می بینیم که رسماً رجال بزرگ دول در نطقهای رسمی و غیر رسمی خود با آواز بلند، مثلاً میگویند که فلان دولت چند جهاز جنگی اضافه کرده ما نیز باید چنین و چنان کنیم، که صرف نظر از اعتدال قوای دواتی نشده باشد و در موقع مناقشات پلنیک بمناسبت قوای جدیده نتواند بر ما چیره شود، و احدی بیانات آنها را منافی با نزاکت بین لدولی نمی گوید، نزاکت بین لدولی را در صورتی خلل میرساند که رسماً و صراحتاً از ادارات دولتی سخنان مخالفه ابراز نماید، ولی اگر وزارت جنگ بگوید که برای سرحد آذربایجان که پست فوج بعین است بمناسبت اهمیت سرحدی کم میباشد و ده فوج دیگر باید اضافه شود، این نکته را میتوان به تعبیرات وارد منافی با نزاکت بین لدولی قرار داد، و چنین معنی نموده که از بعضی وزارت جنگ معلوم می شود که اعتماد و اعتبار بدوستی همسایگان ندارد و زیرا جبراً باید قشون در سرحدات زیاد نماید، اگر بن گونه امور بیانا و عملاً منافی نزاکت بین لدولی باشد، باید نزاکتی بین هیچ دولت باقی ماند، چر که هر يك از دول در حالتیکه ما هم کمال دوستی و اتحاد را درند در سرحدات خود قلاع می سازند، مشور - اخلوی زیاد میکنند، جراند ملیه و رجال دشمنند مات و دوات همه روزه در ازدیاد قوای ماتی و دولتی بحث می کنند، در منافع تجارتی خود و رفع احتیاجات خویش از خارج سخن میرانند، و حال آنکه سخنان بوعیه ممکن است گوشه ش بیکی از همسایگان بر بخورد، و ملوگیری از مضار ملکی خارج از امکان است که ضررش عاید بیکی از همسایگان وارد میاید، و این امر سر مشق جمیع ملل و دول است هرگز کسی نگفته که این گونه امور قولاً یا فعلاً منافی با نزاکت بین لدولی است

بلی در صورتیکه بر خلاف دولت دوستی سخن گفته شود که مناسبتی با منافع بوعی و ملکی نداشته باشد آنهم بطریق رسمی یا هم رسمی باشد میتوان ابراز کرد که مقتضی نزاکت بین لدولی چنان بیانات نیست، ولی جراند ملیه هر مات خارج از رسالت است، و در دائرة قوانین مطبوعات آن نکات اگر بحثی نماید احدی از نمایندگان خارجه را حق آن نیست که آن نگارشات را منافی با نزاکت بین لدولی قرار داده برخلاف قانون جلوگیری بنحواهد، ما کار بقوانین و

آزادی و مطبوعات محاکم کاستوتیوشن نداریم اندکی مدافه شود در نگارشات جراند روسیه که فقط دولت قانون است. فرض کنید که یکی از جراند روسیه دربارۀ سفیر یا وزیر خارجه بالا تر بروید در حق پادشاه ایران سخن بحق یا ناحق نوشت، آیا نمایندگان ما را حق آن هست که نزاکت بین الدولی را مستسک نموده شکایت از آن نمایند؟ یا اینکه بمجردیکه اعتراض نمودند. جواب داده خواهند شد که شما رجوع قوایین و مطبوعات نموده، در عدلیه شکایت نمائید، آیا هیچ ملاحظه جراند روسیه را مینمائید که تا چه اندازه حفظ شئون مات و دولت ما را نموده، نزاکت بین الدولی را مراعات می نمایند؟ حقوق دول و مال باید مساوی مراعات شود هرگاه جراند ملیه دیگران درین گوه مواقع نزاکت بین الدولی را در حق ما مراعات مینمایند رجال ما هم البته حق آن را دارند که نزاکت بین الدولی را در حق آنها مراعات نمایند

حرف این است که همسایگان ما از یکصد سال باین طرف رعب خود را در قلوب رجال ترک و کوچک ایران حای داده، و پلنیک رجال دوات ما هم همسایگان بجای آوردن هر قسم خواهشات آنها بوده، اهم از مشروع و غیر مشروع، و همین مرعوبیت رجال سبب گردید که بدون خون ریزی ملک و مات و دوات دست بسته تسلیم اجاب شدند، اگر در مشروطیت سلطنت هم پیروی از آر پلنیک پوسیده اولیه که مرعوبیت خالص بود بشود، باید بر حال آینده ایران و برایشان گریه کرد، دولت و مات در تحت قانون مطبوعات را آزاد قرار داده، هرگاه خلاف قانون حرکت نمودند، کس بر طوره در عدالت مدعی شده اگر جرم او را ثابت نمود سزا بخشند، ورنه هر چیز که منافی با میل و لان سفیر باشد نوشته شود و آنها هم باسم نزاکت بین الدولی پیش آمده هالک اصول قدیم که عبارت از خواهش است جلوگیری از مطبوعات بشود ابداً جائز نیست من هرگز مدعی این نیستم که ابد خواه نخواه جراند مخالف با همسایگان سخن رانند، ولی البته با اندازه خود هرگز رضا نتوانم داد که از روی پلنیک باسای مختلفه کارها را مثل سابق همسایگان بخواش از پیش به برد البته جلوگیری مجلس یا هیئت وزرا از جراند آنها تا وقتی که قانون انطباعات صحه نرسیده نمیتوان خلاف مصلحت گفت، چرا که تا قانون در مجلس نگذشته جاره جز این نیست، ولی کسی که مورث مرعوبیت طامه ملت نشود و پلنیک جانب جوف زطن استبداد بخواش خشک و مالی پیشرفت نه نماید باز صکرده بموضوع خود، شک نیست یکی از

مقتضیات امروزه ایران این است که با همسایگان خود کمال اتحاد و دوستی را (از روی شرف و مساوات با اصول مرعوبیت) داشته باشد، و در عین دوستی و کمال اتحاد ملاحظات روز، ادا و ایام دشمنی و خصومت را هم از مد نظر دقت دور ندارد، یعنی هم قوای دفاعیه خود را درست کند، و قلمچت سرحدی خویش را محکم سازد، و از روسیه علم و پلنیک جگونیکی خصومت خود را با همسایگان در میزان اعتدال بسنجد، بهاره بسیار ساده در عین صالح از خیال تنگ بیرون نرود، و در منتهای دوستی از فکر غایت دشمنی خارج نشود، که بزرگان گفته اند هر کس در عین صالح به تدارک جنگ نه بردارد در میدان جنگ شاهد بصرت را در آشوش نتواند کشید، جمیع سیاستون اروپا متفق الکلمه میگویند که امنیت نامه عالم در سابه تدارکات جنکی مال و دول است، بهین مناسبت مات و دولت ایران راست که با کمال مدافه درین ایام صالح و سلم کاملاً تدارکات روز جنگ را به بند و از حالات اندرونی و موهنی که همسایگان را در پیش است واقف گردد، و مناسبات مالی و مالی و رعیتی و تجارتنی و صنعتی آنها را بسنجد، و نیز ملاحظات ایام جنگ را در محاسن خود نموده اتفاقیکه ممکن است در ایام سختی آنها را پیش آید ملذت شده با تدابیر حکیمانه قبل از وقت دفع موانع را نموده، و سدی در جلو آنها نشیند تا موانع داخلی طاع از پیشرفت کار نتواند گردید

خوب است قبل از اینکه مبدار خشکی بین ما و همسایگان فراهم آید مدر خشک خیالی آراسته بدون آنکه به نزاکت بین الدولی بر خود موانع و پیشرفت کار خویش را ملاحظه کنیم و هر قدر ممکن است دفع موانع و تدارک لوازم را به تمام زیر که همان قدر که امید صالح برای ما با همسایگان است، همان درجه نیز خوف پیش آمدن جنگ هم دامن گیر است باطله. ما را سه همسایه يك در و دیوار هست که شریک الطودیم یعنی انگلیس و روس و عثمانی و تصور جنگ با این سه دولت نسبت به اثر دول برای ایران بیشتر میتور نمود، زین رو موضوع بحث ما نیز در مناسبات با همین سه دولت خواهد بود، چون امروز مناقشات سرحدی با عثمانی در پیش داریم با اینکه هرگز آرزوی جنگ با همسایگان خود را نداریم خصوصاً دولت عثمانی که دولت اسلامی بشمار است مناسب تر میباشد که اینچنین خیالی را بدو تصور نمائیم اگر موفق شدیم هفته آتیه شروع باین عنوان خواهیم نمود

تکراف دستخط اعلیحضرت هیاونی

(از باغ بیوشهر - نمره دستخط مبارک شب)

(۴ شنبه ۱۲ ذی قعدة ۱۳۲۵)

بعموم حکام ولایات تکراف شود - چون امشب کابینه وزراء تدریس کرده تا تمین وزرای جدید مطالب و مهیات آنها را مستقیماً بخودمان عرض کرده بانهایت دقت و اهتمام مراقب نظم بوده راپورت امورات را تکرافاً و کتلاً بمرض برسائید -

وصول این تکراف هیجان ضریب در مردم افکند که سلب راحت از اهالی غیر این جا نمود و منتظر خرد تار و حادثة فوق العاده بودند تا امروز که این تکراف کشف اسرار نمود -

تکراف آقایان حجج اسلامیه

دامت نایب داتهم از طهران

نمره ۱۶ - فارسی - ۱۲ ذی قعدة ۱۳۲۵

از طهران - بیوشهر -

خدمت عموم علماء اعلام و اعیان و نجار بلاد محروسة ایران شافع الله اقتدارهم مفسدین اقدام بمخالفت - دولت در خف عهد - محاس در نهایت استقرار - حجج اسلام و وکلای مات در محاس متوقف و با دولت مشغول مذاکرات هستند و حتی المقدور در حفظ حقوق مات ساعدند حفظ امنیت و آسایش عمومی و ثبات قدم را بعموم مات ایران توصیه میکنیم - دعی امام جمعه - داعی عبده الموسوی - محمد ابن محمد صادق طباطبائی -

تکرافی است که از طهران

بأنجمن بیوشهر مخابره شده

(۱۵ ذی قعدة سنه ۱۳۲۵)

خدمت انجمن محترم دام نایب داتهم - تکرافی که از تبریز بکلایه آذربایجان مخابره شده عیناً درج می شود و مات آذربایجان یک چنین شخصی را که قسم بکلام الله العجید خورده و بجات اطمینان داد و حالا... فطرت را باین طور بروز داد از مسلمان خارج میدانند - و آنرا بساطت خودشان سزاوار میدانند این است که صریحاً عرض میکنم که نتیجه اقدامات مات آذربایجان این شد که از امروز او را به سلطنت نمی شناسند - منتظر اقدامات خناهمالی هستیم

(انجمن ملی تبریز مات آذربایجان)

تکراف انجمن ملی گیلان

خدمت وکلای محترم انجمنهای ولایتی و ایالتی

ممالک محروسة ایران دامت اقتدارهم - البته شنیده اید که وکلای دارالشورا دوچار مخاطرات - برای بقای اساس مندرس - و حفظ وکلای مرکزی اقدامات لازمه نموده که این تنگ در تمام دنیا برای ایران یا بدبخت ایرانیان باقی نماند - اهالی گیلان با تمام قوای در شرف حرکت بطهران - و امیدواریم از هر ایالت و ولایت اهالی را با تمام قوا حرکت بدهند (انجمن گیلان)

حیل المتین

اگرچه بتأییدات امام عصر عجلاً فرجه سالماً رفع غائلات شده - ولی چه قدر ناگوار است استماع این سخنان - و هداية این گونه عناوین بر خیر خواهان مملکت و بجه انداز عداوت با شخص سلطان و خانواده سلطنت دارند کسایکه باعث اینگونه انقلابات موحشه مملکت و اختلافات غیر مترقبه بین ملت و دولت گردیدند ای ملت غیور آذربایجان و امت نجیب گیلان (که حنوقتان بر جمیع برادران ایرانی تا قیام قیامت باقی است) خدایتان از گزند اعدا محفوظ دارد - ما و جمیع خیر خواهان ملت تصدیق داریم که هر اقدامیکه از بدو مشروطیت سلطنت تا امروز نموده اید همه مبنی بر غیرت و حمیت و خیر خواهی جوع بوده - برادران ایرانی شما از که و ما بر حقوق عالیه تان قائل اند - کار نکرده را هماره میتوان کرد - و حرف زده را همیشه میتوان زد - سلطنت و دیمه است که ملت هر کس میخواهد می بخشد - و هر که را بر سر سلطنت نشاند همان پادشاه شناخته می شود - ولی تا جایکه ممکن است مات باید به تدابیر عملی و در برخی مواقع به تجاهل عارفانه مخالفین را موالف سازد - و با همه تصور شخص پادشاه را بر تصور جلوه دهد - و همین تدبیر از روی مسالمت بر و بال او ~~که~~ عبارت از خائنین حواشی اید قطع کند تا در مواقع مخالفت پادشاه بی معین ماند - در آن صورت قدرت مخالفت برای شخص پادشاه باقی نخواهد ماند - و ملت بدون خون ریزی های شفاهی بمرکب مقصود سوار خواهد گردید -

ملت ایرانیه انشاء الله باید بجمیع ملل عالم سرمشق مدنیت بدهد - و پانها به نمایاند که بوستان مشروطیت را بدون آبیاری از خون ایناه ملت هم میتوان سرسبز و لخرم داشت - حالا که بحمد الله پادشاه سر تسلیم نموده ملت هم باید همان احترامات پادشاهی را در حق آن مسلم دارد - ولی اقتداریکه ممکن است در آینه مورث اینگونه انقلابات شود - سلب نباید

نگارش یکی از دانایان ساده گو

اگر دروغ نویسم کمتر از دروغ گویای هستم که به اسم و رسم جهة صرف اغراض شخصی و شیطنت طویش خویشترا در انجمنها و غیره جا بجا کرده و میکنند چیزهایی را که نباید از هیچ انسان صفت دیده شود .

و اگر بهتان و افترا گویم بدر از بعضی رجال و اعیان بشمار روم که خویشترا با رنگ قلب انصاف صوری صبغی نموده و جهة دباغی پوست و طوطی مقوم ا و ملت مظلوم و مرحوم با کمال خواطر جمعی بسرکارهای مأمولی و معمولی یکی با فعالیت دیگری با اضالیبت آمده اند ا و میکارند تخمهایی را که هیچ شیطان رجیم نمیگردد ا یا اگر راه تمصب و تقاطر بوم و نیک را بد گویم زشت و منفور تر از ناصحین هستم که جهة استقامت شرایع مصنوعی گوناگون خودشان که از بت برسی هم گذشته به درجه انار بکم الاعلی کشیده ا به سرسکوهای معابر حسته و دویده که مدار سرا به بندید ، کنبرا بسوزانید متعلمین (۷) و ۸ ساله این مدارس جدید بکشید که . . . و . . . خواهند شد ، یعنی به افسار هاسی ما سر نخواهند گذاشت ، و نامربوطات ما را کوش نخواهند داد ، میگویند ا ا ا مقصودم یادآوری بعض مطالبی است که در هر سر بازاری هست آهم بخود آنجناب شما هم اگر میخواهید درج نهائید والا بیندازید ، میدانید بنده از آن مخلوقات اسان ناما هستم که خودم را مسلمان مینامم و براسلامیت اولیة مسلمانان می نامم به لاله الا لاله و محمد رسول الله علی ولی الله معتقدم و بر او امرشان مطیع و از منافی ایشان متنفر و مبری ، الله الله از جمله گمنام ترین خادمان هستم که چندین سال است که ملا و جانا و قلا و لسانا بر عالم اسانیت سبا و وطن و ملت خویش خدمت میسکیم ، حالا بواش بواش کاسه آتش شکسته و راه لواش بسته شده قلم بدوجه سائیده و از

مقیدی کند شده زبان سندی در کام و تیغ بیان در نیام قالب حسته اگر چه حسته شده اما گسته لبام است و متوحش و بر آرام ، از آنجهت عرض کردم امضا محفوظ باشد ، چونکه قدری کار دارم ، یعنی بعد از این به نایشایای ایرانی خواهم پرداخت ، آنست که مفت بدن زودی نمی پسندم

آقام جان . در شماره ۱۳ در تحت عنوان قرارنامه دولتین روس و انگلیس درباره ایران الحاح و التجا های هر قسم و بر هر زبان شما را بعموم اهالی ایران از آنجمله به خلف سلاطین و خواقین ساف و شهزاده گان و رجال و اعیان و عاها و وکلا و سادات و طلاب و افراد ایرانیان خواندم ، آه های سرد شما را در حین نگارش و ترتیب حروف همین مناسه تصور کرده دلم بدرآمد ، با همه این حسته کی و بسته کی نوشتن این اسطار را فرض و این فرضا فرض دیدم ، آقای زید عمره . مطمح انظار ایرانیان و مرجع مظلومین و ماجاه . . . بین آذربایجان انجمن مقدس ملی تبریز است که چند نفر از اعضای عظامش را ۳ و ۴ بار مجاس گفته چونکه شما فصل هشتم در عشق جوانی چنانکه افتد و دانی را خیلی بادقت خوانده و با دقت عمل کرده اید برخطبید از این ساحت قدس بروید که اشغاضی صحیح تر به و کالت ملت نشیند ا و همین قسم بعضی از اعضای انجمنهای ابلق و ولایتی را که دیده ام شبیه بانجمن تبریز است فاما الله العلیات یکی است که از معروف ترین دو هزاری پرستان میباشد که برطالیدان ظاهر گردید که باسم شریعت چه فتنه ها میخواست در اسلام و مسلمین برپا نماید فاما الطهران حاجی . . . و حاجی . . . دو برادر بزدی (۱۲۰۰۰) تومان و آقا واعظ (۶۰۰۰) تومان از مطلع . . . خداوندی گرفته و در خیال تشکیل انجمن بنام (انجمن . . .) در طهران بوده اند و جنابان گلدرسته گان گلزار سیادت سیدین سیدین اعفی آقایان که دو برادر اند و تمامی اموال و املاک و هست و

بست به قار و بول قونیاق و شانبار بخارج مودموزلهای
فرنگستان و به گرو بانک استقراض روس
رفته و شاید بدین وسیله علاضجات و دهات مفضوبه
خویشرا به منضوبی رطایا مصون دارد یکی در
و دیگری در انجمن هرچ و هرچ مدتر از رانه حمام
یا هرچ بارار شاه تبریز عضو شده اند . حالا مثل
هرچ و عقرب در طهران هر دو از هرچ
عس و منکفه و خلی انجمن ترك منتهل حواسته اند .
و پیش از اینهم هموای العاجل حاضر در انجمن محترمه
آذر باجان نیز عضو شده اند اعضای مدبر و باربک
بن انجمن آذربایجان از ذمام نتایج افکار منحوسه شان
بزودی ماسم و مطامع و مطرود شان داشته اند . از تر
یلان و قشقه های غیر مرغوبه انسانیت نشناسی و
اسلامیت کشی اعی سیدین بزودی و سیدین
و طرفداران شان که گویا حاجی آقای . . . و میرزا
. . . ماکو هم از جمله شرارتهای آنهاست . و حاجی
میرزا آقا و و و که در تبریز هم انجمن مغرب بنایه
سیادت و سعادت ابرایان منعقد نمودند و . . . ۱۶
نومان هم به تبریز آمده

از جمله نتایج مذمومه انجمنی خلیالی یکی نبود که
اقلاً شنیده اید که قرار گذاشته بودند که هر جا انجمن
طهران بالباسهای زنانه بوروبائی (که کوشیا از این
لباسهای معمولی و میمون داری مدتر داشته اند
ها . . .) در برو روها گشاد و کف زنان و بالوبان
زنده باد مشروطه یان به بازار یکدسته از قاطرجهای
شاهی ایضاً بایند باد مشروطه حوان به بازار و هر یکی
مازوی یکبار گرفته و . . . نانشود آنچه آرزوی شان بود
الحمد لله که ز برکت توحه صاحب المصر عجل الله
فرجه و از دولت تلاشی جناب نقی زاده مثالان
آرزوی آن بیدیان در چشم شان ماند . و از جمله
آثار منحوسه انجمن اتحادیه آقایان . . . و وعظ فسق
آمیز و شورش انگیز جنابان آقا . . . و آقا . . .
و آقا و آقا . . . آقا روضه حوان نوکر حقیقی شمر
و سنان (کافر من اگر این طایفه دین دارانند)
یکی این شد که از اول صیام زمزمه آغاز کرده بودند

که باید فلان مدرسه بسته شود و بلکه عموماً . . .
فلان کتاب سوخته شود بلکه تماماً . . . حاجی
امین الدوله و امیر کبیر مرحوم منبری خام بدین . . .
کردند مختصر تا رفته رفته چند نفر از الواط بی ناموس
را تحریک حق پول شراب شانرا هم داده بودند که
بروبد مست شوید و تا بتوانید یکبار از مدبر یا شاگرد
های بزرگ مدارس بکشید اگر از مدرسه تفقازپها
شود که نعم المطلوب دهم شوال سه بفروب طانده در
حلبابان مجیده الواط معروف بنای هر زه کی و تیر
اندازی گذاشتند . تخمیناً يك ساعت راه عبور بسته
حاق هم می اینطرف و آن طرف میگریزند نه سائلی
که جرا . نه قائل که کی است . جلو در بگریگی شهر
بی دروازه تبریز که يك نفر سر باز و قراول یافت
نمی شود در حالتیکه کوجه های تبریز از چارسو و
بازار و مساجد چه مغروب و معموره که برند ازسکهای
سفید و سیاه اگر یکی از این سکها هرزه کی کند
یقیناً آن دیگرها جمع شده هم جلس هرزه خویش
را تأدیب و از همان محل تبعید خواهند کرد . اما یکی
از اوطاقهای بزرگ عمارت حکومت (شمس العماره)
بر بود زیاده از يك درجن سردارهای اکرم و
اسعد و معزز و معظم ۱۸ و ۲۲ ساله یکی یافت نشد
که این فضولی جرا . مختصر معلم مدرسه روس و ابرانی
(مدرسه که محل يك انبان سخناست) بیز اکبر نام
راست آمد . دو تیر انداختند نخورد . و خیلی کتک کاری
کردند طوری رها شد و گریخت . نه اینکه کسی رها
گرددش . خبر دادند قونسل و ظیفه شناس روس . . .
که هر دقیقه حاضر است خودش را فدایه بواتیک
دولت متبوعه خویش و وسعت وطن خود
بکند ! (مثل آهان الدوله بی غیرت و بیدین ما III)
باقزاقهای بالباس رسمی آمد تا خبر آمدن قونسل رسید
بدر ۴۰۰۰ هزار نفر اعیان و تجار و مجاهد و افراد
اهالی این المفر گویان نداستند که کجا بخزند دکادار
میخواهد به بنده اهالی میدوند که بنمان شوند ارشیشه
و جام و آینه زرنق و زرنق مسیب و عجیبی برخاست
قونسل تا اینرا بدگرم ترشد قزاقها را امر کرد که

به تنگما فشک گذاشتند و خودش هم با صدای بلند
در سوخته مجاهد ... ی ... نوریامات فدائی ...
صکبک اوغلی ... و دین و مذهب ... می بخش
میداد باقرانی و مترجم مسلمان و نایبش و آقا حسن ناچر
باشی و رعایای روس که همه شانهم بنا به امر قونسول
ملاح بودند، دو دفعه خیابان را آن طرف و این طرف
رفت و آمد نمود (بالبقی لم ولدت من امی اومت قبل هذا
و کنت لسیا منسیا ۱)

مختصر تحقیقات لازمه را کرده و رفت از خود
معلم هم تحقیقات کرد جوان هشیار تربیت شده گفت
که جناب قونسول مقصود شان نه اینکه زدن من بود،
ایشان را تحریک کرده اند به بستن مدارس جدید
خود ایرانیها، قونسول خدیو و گفت تو خیلی آدم
بدبختی هستی که فردی کاشکی تو سرده بودی (که ایران
اقلاً آذربایجان ۱۱۱ ... آه ۱) آلازم مقصرین را
میخواهد، حکماً جناب فرمائید هم با تبدیل بکریکی
یعنی عوض سکودت حورالنسا به کلوم نه نه
مفتونش میدارد مأمورین میگویند که مأمور بسراغ
هستیم نه گرفتن خیال کارگذاران دولت ما چیست میداد
تقسیم بلتیک که شدیم دیگر چه برسر داریم نمیدانم
اگر من اغراق و افراط کردم بیدم و وجدان ولی
تقریب شاید سکوده باشم، اگر باور نکنید مجبور
نیستید یا باور کرده درج نه نماید نه من آمرم نه شا
مأمور، شاید مقصودم این بوده باشد که حسن ز بصره
بلال از حبش بزید از شام ز خاک مکه ابوجهل این
چه بوالعجبی است

آقا ... و توابعش از عذبات و حاجی سید
... و حاجی ... دو برادر بزدی از طهران و
حاجی ... آقا و آقا میرزا ... و آقا ...
و اعضای انجمن خیابانی و چند نفر از اعضای انجمن
مقدس ملی و آقا ... و آقا میرزا ... و آقا ...
روحه طوان حرس و بفر و پلنگ و خرگوش از تبریز
رحیم خان و سیرانش از قراجه داغ، اقبال یا
ادبار الساطنه از طاکو، حاجی ... خان امیر توپان از
خلوی، حاجی میر ... آقا از کرک، آقا ... از مرند
حاجی ... النوله و ... الملك و ... المهاک و

سراج ... دیوان ... از جهنم ادیب ... اسلام
و ایران ۱۱ موسیو ... و بالکونیک حکمران
طهران از دمسات روسیه، خلوک الرطایا از خراسان،
حاجی آقا محسن از قم و ... و این چه بوالهوسی
چه مسلمان، چه انسانی چه ایرانی است ... آخ
چشمم درد کرد دستم ماند صدای جرس و خرروس
برخواست مطلب به هرزه گوئی و یاره سرائی کشید خدا
حافظکم و حافظ و ناصر وطننا خادم هسته و مهار
گسسته ایرانی زبان بسته و یا شکسته

مکتوب از بادکوبه

وضع بادکوبه کافی السباق مفشوش امذیت معدوم
قتل و فارت رواجی دارد، مکتب اتحاد ایرانیان
بهت و مساعی جمله آقا میرزا علی محمد خان قونسول
و میرزا حسینخان کمال مدبر و اعضای انجمن خیره
خوب دایر و اسباب افتخار است

در این اوقات آقا میرزا علی محمد خان قونسول
معارف دوست ما امتیاز افتتاح مکتب موسوم به
(بهجت) برای ایرانیان لنگران از حکومت محلیه
تحصیل نموده این چند روزه خود قونسول جهة افتتاح
دبستان (بهجت) به لنگران خواهند رفت در حقیقت
از زمانیکه آقا میرزا علی محمد خان از قونسولگری
باطوم بقونسولگری بادکوبه مأمور شده ابواب
سعادت بروی ایرانیان بادکوبه مفتوح گردیده شخصی
است ساده بی تکبر رشوت نمی گیرد عیاش نیست حتی
المقدور در صدر رفاه تبعه است، متأسفانه باز در این
اوقات فیما بین ارمینها ها و مجاهدین سخت ضدیت
و تقای در کاراست قونسول سعی است که بآب
تدبیر آتش فتنه و فساد را فرو نشاند، اگر عبداللطیف
بگذارد ... خداوند ریشه مستبدین و خائنین
وطن را از روی زمین بر اندازد

دولت روس حالا که کسب قوت و اقتدار نموده
در صده اضمحلال مجاهدین روس و ایرانی است و
مخصوصاً چون دولت ایران مشروطه شده و ضررش
حاید دولت مستبده روس است لهذا با ایرانیها نهایت
دشمنی را دارد
(الاهم اجمل عواقب امورنا عبراً)

اعلان مخصوص

(حاجی بابا) شوشتری در منزل بنده شهر مظفرپور
(بنگاه) بتاريخ ۲۹ شوال سنة ۱۳۲۵ برحمت ایزدی
پیوسته و مخاناتی از او باقی مانده است - در هر جا از
وارثان و حقدارانش باشند اظهار وراثت نزد
بنده نمایند - ولی باید دارای سند وراثت از حکومت
ایران باشند و نیز بموجب قانون هفتم بابت سنة
۱۸۵۹ عیسوی حکومت هند . سند وراثت در دست
داشته باشند -

(امضا) سید احمد حسین - بی - ال -

وکیل عدالت

حبل المتین

از جناب مستطاب آقای حاجی سلطان عالی صاحب
تاجر شوشتری مقیم بمبئی خواهش می شود که هر گاه
ممکنشان باشد از راه نوع برستی در پیدا شدن ورثه
مرحوم اقدام فرمایند ، بر حسب گفته حضوری جناب
مشتر مخلفات مرحوم از نقد و جنس توام است

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران
را هم داراست بطبع اعلی ، کافذ و خط
خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریس
لین ، مازگام ، بمبئی . نزد آقا میرزا محمود
صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره حبل المتین
کلکته بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد ،
اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر یک
از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشه
ایران نیز علیحده بقیمت دوازده روپیه بفروش میرسد

ایضاً

یومیة جبل المتین با مسك و مشرب
پانزده ساله خود در طهران اشاعت
می شود ، هر کس در هندوستان طالب
باشد در کلکته با اداره حبل المتین - و در ایران
وسایر ممالک خارجه به (طهران . خیابان لاله
زار . اداره یومیة حبل المتین رجوع نماید . قیمت
سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج
قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون
که بوضع شاعرنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های
حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده
هر کس خواستگار باشد با اداره حبل المتین کلکته رجوع
نماید قیمت در هندوستان سه روپیه ، ایران یک تومان ،
اجرت پست به ذمه خریدار است

اعلان

جلد دوم ابراهیم یک که افراد ملت را بهترین
نازیان غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی
و طبعی خیلی خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه
بتقطع اولیه جلد اول کتاب موصوف براسی فروش
در اداره موجود است ، این کتاب گویا لازم بهر ق
نداشته باشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد
از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هر کس جلد
اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سباق
کلام و خیالات عالیة آن بخوبی واقف است ، که در زبان
فارسی کتابی با این سبک سباق نوشته نشده ، قیمت چهار
روپیه ، اجرت پست بر ذمه خریدار است

سواد آلکراف بندر عباس به طهران

توسط جناب آقا سید حسن تقی زاده

حضور اعضاء محترم دارالشورای کبری ملی شیداالله
ارکهارا، جناب... ما ساکنین بومی بندر عباس انجمن
عمومی باسم انجمن جاوید برای خود تشکیل کرده، و
نتیجه آن بر افراد ملت روشن است، که سکنه عباسی
عموماً در آراه و افکار متفق اند و عمداً از صمیم قلب
حاضریم برای ترقیات وطن گرامی و محافظت ثغور
اسلام و سلور ایران تا نفس بازیسن بکشیم. حال چند
هفته است ایالت جلیله بنادر يك دو نفر وکیل برای
انجمن ولایتی که در بوشهر تشکیل کرده اند از ما
خواسته اند که يك دو نفر وکیل رای بدهند برای پیش
رفت ترقیات عباسی و محافظت این سرحد از نفوس
خارج، و ما سکنه عباسی و وحدت رای داریم، عموماً
که انتخاب يك دو نفر وکیل یا بیشتر آنهم برای نقطه
خارج از عباسی اسباب پیشرفت ترقیات ما نمی شود، و
محافظت حدود وطن باین وسیله ممکن نیست. بملاحظت
عدید که اهمیت موقع بندر عباس را روشن مینماید
اولاً از حیثیت وسعت عباسی منحصر به یکه شهر
فقط نیست بلوک متعدده دارد مانند میناب و شمیر و
محال و حسن و خور و بیابان و بلوچی و جاشاک،
تقریباً پانصد پارچه ده و قریه میشود، دیگر جزایر
متعدده دارد مانند جزیره قشم و جزیره هرمز و
جزیره لارک و جزیره هنگام.

نایباً از هیئت تجارت کشتیهای تجارتن چند دولت
در این جا تردد مینمایند، و کلاه و تجارتخانه چند دولت
در این جا موجود است و عباسی دروازه تجارت
جنوب مشرق وطن مقدس ما است، و رشته تجارت
ما در عباسی بکرمان و مکران بلوچستان و یزد و
سیستان و خراسان و اقدان پیوند دارد، تجارت حالیه
ما در حال وسعت و ترقی است و آنآقا ناً در تزايد است،
نایباً از حیثیت اهمیت سیاسی بندر عباس بدان
درجه روشن است که همه دنیا تصدیق مینمایند، نقطه
سرحد خلیج فارس فقط بندر عباس است، بندرگاه
صیبح خلیج فارس فقط بندر عباس است، دهنه ایران

که میتواند خلیج فارس را از حملات خارجه محافظت
کند فقط بندر عباس است، که حقیقتاً قاهره محافظت
خلیج فارس با ایران عزیز ما بندر عباس است، کشتیهای
جنجی دول خارجه اغاب در تردد اند، برابر و نزدیک
عباسی چند جزیره اند که از توابع بندر عباس و از
نقاط مهمه محسوب میشوند، هر دو اینکه مالک بندر
عباس و آن جزایر شود مالک خلیج فارس خواهد شد
همین ملاحظت فوق کسی غیر از ما که برمی و
ساکن عباسی هستیم میتواند ملتفت اینگونه نکات شود،
وضع معاش و رشته حیات ترقیات ما سکنه عباسی
موضوع از بوشهر یا نقطه دیگر است، علاج دو مریض
متفاوت الحال به يك دوا خطا است

همین ملاحظت مرض و استدعا مینمایم که يك در
نفر وکیل از طرف ما برود به بوشهر، ممکن نیست و
همه مسائل خصوص حفظ سرحدات رای صحیح تقدیر
کنند و اعتقادی که ما عموماً داریم یا ایرانیها تیکه بیدار
هستند و حسن وسیله برای پیشرفت ترقیات و محافظت
سرحدات عباسی گرفتن آراه سکنه عباسی است، و
آنهم ممکن نخواهد بود مگر ما انجمن ولایتی داشته
باشیم، و بنادر جنوب ایران که تقریباً چهارصد فرسنگ
امتداد آنست ایالت محسوب شود، پس حداً استدعا
داریم که با اجازه انجمن ولایتی سرحدت فرمائید
ترقیات و محافظت حدود ما منحصر همین وسیله است
(دست از طالب نداریم تا کام ما برآید)

در معاهده اخیره دولتین اسم بندر عباس درج
است، نه اسم نقطه دیگر از خلیج فارس هنوز تشریح
نکات نیست منتظر جواب و امیدوار هستیم، سواد
هریضه با بست تقدیم شده

(هیئت اداره انجمن سیاسی - طرف عموم)

جبل المبین

درین موضوع سالهاست ما بحث می نمایم هر کس
از اهمیت خلیج فارس اطلاع ندارد ملتفت این نکات
نخواهد شد در هر يك از بنادر معتبره ایران ما بندر
عباس و لنکه و غیره انعقاد انجمن ولایتی لازم است و
حضور وکلای آنها در طهران اشد ضرورت است
ولو اینکه از برای بنادر و سواحل ایران قانون

مخصوص وضع شود اجازة العقاد انجمن ولايتى بآنها بايد داد انشاالله ضرورت اين امر را آتیه در مقاله مخصوص خواهم نمود وکلای محترم راست که درین نکته خیلی توجه فرمایند ما سیصد بندر و جزیره در خط سیصد فرسخ دارم انجمن ولايتى بوشهر را کافی از اصلاحات این مملکت بزرگ تصور نمیتوان نمود

مکتوب از محرمه

در اینوقت که مقتضى موجود بود فریضه ذمه دانست مزاحم شود، البته این همه زحمات و صعوبات که در راه ترقی و تمدن اینسء وطن تحمل مینمایید عنداالله مأجور خواهید بود، و شهداالله اثری که در کلم جراید و تاثیراتی که در قلوب عامه دارد در نگارشات نیست و همین مسئله اقوی دلیل است بر حسن طویت و صفای نیت مدیران روشن ضمیران جراید خداوند انشاالله توفیقات ایشانرا زیاد فرماید خوب است عطف نظری هم بنگارشات بعضی وقایع نگاران خود فرمایید، بلکه انشاالله از اثر اصابع و مواهظ اصلاحی پیدا نموده ترك طاعت زمان جاهلیت نیاید.

در این خطه عربستان که مردم آن از همه جا دور و بی خبر و سبیله اطلاعات از بخاری و اقدامات مجلس مقدس ملی منحصر است بجرايد و بوسيله روز نامه جات هم باید کسب اخلاق پسندیده و ترك صفات رذیله نیابند، ولی افسوس در این عصر تمدن که قاطبه مردم نگارشات جراید را سر مشق خود قرار داده اند بعضی وقایع نگاران بجهت جاب نفع از روی غرض مندی اشخاص مات پرست وطن خواه را در مورد ذم میدارند و نسبت های خلاف واقع باها میدهند، حیف است اشخاصیکه چشم و گوش يك مملکت بزرگ و امت سترک واقع شده اند باینگونه ابطیل و ترهات خاطر مخلوق را مشوب ساخته از توجه و اقبال بجانب معارف باز داشته و مأیوس نمایند

وقایع نگاریکی از جرائد منطبعة طهران مناله در تحت عنوان حادثة عظيمة عربستان از وقایع نگار خود مندرج، بسی عنوانات خلاف واقع در حق سردار ارفع نگاشته و ایشان که در دولت خواهی و ملت پرستی امروز در صفحه عربستان منحصر و پیوسته

هم خود را در تشویق و ترقیب مردم عربستان سکه مردمی دور از ترقی و معلومات عصر جدید هستند مصروف، و بقدر ذره از مساعدت جانی و مالی در اینمرحله فرو گذار ندارند. در مقابل طایفه بی طرف مورد ملامت قرار داده و حال آنکه از اثر مراقبات وافی و کافی سردار ارفع است امروز نقطه که میتوان گفت از نقاط ایران منظم و اعالی آن در مهد امن و امان غنوده و آرمیده اند فقط صفحه عربستان است، اگر چه امید واریم این عناوین در مراتب وطن پرستی و ملت خواهی سردار ارفع ذره خلل وارد نیآورد، ولی گویا وقایع نگار موصوف بهلاحظه، قاصد و غرض که دارد چشم بوشی و اغراض از اظهار وضع حرکات وسوء رفتار طایفه بی طرف که در مذمتها درجه واقع هستند نموده، این همان عصب طرف است که سالیهاست یاغی دولت و منفور ملت هستند که بهیچ وسیله اطاعت از حکام عربستان نداشتند، سائر متمردین عربستان و امثال طایفه حرج و عبدالحن که شعبه از بی لام و رعیت دولت ههای هستند بنام و مسکن میدهند، که نفس از آنها بگیرند، چنانچه بواسطه همین بی اعتدالی ها همیشه حکام عربستان مجبور بجنک و جدال باها میشده

شاهد مدعا واقعه جنگ مرحوم حشمةالدوله حمزه میرزا و مرحوم ضياءالملک و جناب نظام السطنه و سردار اکرم و بر حکام که مستغنی از تشریح و توضیح است، نازمان حکومت حضرت والا عین الدوله و ایالت جناب ضياءالملک همدانی، تماماً یاغی گری آنها را مشاهده فرموده اند توپ و اموال اردوهای دوانی را چه قدر برده اند

حالا وقایع نگار موصوف راه زنی و آدم کشتن و مال مردم را غارت نمودن از مزایای آنها دانسته است. تا آنکه سه سال قبل حضرت والا عین الدوله چون مسبوق بحال آنها بودند به سعی و اصرار این طرفه و حویزه را بجانب سردار ارفع وا گذارده فرمودند و ایشان هم مواظبت نامه در تأمین طرق و شوارع دارند، و همه جا سوار و مستحفظ گماشته جلو گیری از لصوص و قطاع الطريق مینمایند، مردم مطمئناً باسودگی مجبور و مرور دارند، بعضی اینکه وقایع نگاران جراید

مقالی که موجب تشویق و دلگرمی سردار ارفع پانگونه زحمت و خدمات نسبت بدولت و ملت باشد درج نمایند توصیف از جی بی سروبا میناید، هرگاه سردار ارفع از این باطلیل مستحضر شود دور نیست مابوس شده مردم را بحال خود بگذارد آنوقت خدا میداد که از اثر شرارت بنی طرف و سایر اهل عربستان چه بر سر مردم این صفحه میناید، امیدواریم که جناب سردار ارفع به پیوجیه از این نگارشات در مراتب جد و جهد که در تأمین عربستان مبذول میدارند دل سرد نشده ازید بماسبق از این طریقه مرضیه دولتخواهی و مات برستی از بذل همه قسم مجهود مضایقه نمایند (ذره هم و ما بقولون)

وقایع نگار موصوف چرا سوه اعمال و حرکات ناهنجار برخی را نمی نگارد که در دزفول جی اراذل و اوباش را دور خود جمع و مصدر و ملشاء همه قسم شرارت و ظلم و تعدی بر بندگان خدا و باعث قتل نفوس محترمه و هتک عرض و اموس مردم ملک زده دزفول میشوند، خوب است بعد از این شمه از اطوار آنها در صفحات روزنامه جات مندرج دارند (اللهم اصالح کل قائد من امور المسلمين) خداوند ماها را از شر شیاطین انس حفظ فرماید.

در پانزده الی بیست سال قبل حالت طایفه جبب فلاحیه از بنی طرف بدتر بود، همه ساله حکام باید اردو کشی نمایند، مبالغی دو مقابل مالیات خرج کنند که مالیات فلاحیه وصول شود، اما بجه زحمت، بالآخره حکام سابق رفته رفته فلاحیه و جبب را باداره مرحوم حاجی جابر خان نصرت الملک و مرحوم شیخ مزعل خان واگذار فرمودند، تا سه چهارسال بهمین طور مثل بنی طرف از اطاعت رو گردان بودند، از آن به بعد قریب پانزده سال است چنان منظم و آرام شده اند که بدون زحمت کار گزاران دیوان و مخارج اردو کشی مالیات میدهند، و ساک جبب که آنطور تا امن بود چنان منظم است که مافوقش متصور نیست، معلوم است هر قوم وحشی را که بخواهند بقید اطاعت بیاورند و دست از یانگی گری بردارند اینگونه زحمت وارد، بنی طرف تا یکی دو سال قبل خود را رعیت یا مطیع امر حکام ایران نمیدانستند، تمام علاقه و بستگی

با عثمانی ها و عماره دانستند حالا فهمیده اند که این ملک خالد ایران است، و باید خود را رعیت دولت عالیه ایران بدانند.

اینکه وقایع نگار موصوف مینویسد که سردار ارفع با شیخ مبارک بن صباح شیخ گویت وصات کرده ملاحظه فرمائید، بی اطلاعی تاجیه درجه است، چرا که کسی در مطای اطلاع ندارد باید سکوت نماید که اهالی را مورد مضحکه قرار ندهد، که صیبه شیخ مبارک را بجهت پسر سردار ارفع خطابه کرده اند، اولاً طرفین نمی توانند بواسطه اختلاف مذهبی وصلت نمایند

دوم آنکه سردار ارفع احتیاج بمعاونت شیخ مبارک در مقابل امثال بنی طرف ندارد که از او معاونت بخواهد مآبیه بر حسب دواتی و اتحاد خانوادگی که قبایل آبا و اجداد آنها بوده سالی دو سه مرتبه برای ملاقات سردار ارفع به فیلبه می آید دو سه روز توقف نموده مراجعت میکند چون سه چهار ماه بود که سردار ارفع در ناصری و کارون بود مشارالیه به فیلبه آمده با استیماج کوجبك سردار ارفع خود با چهار پنج نفر نوکر به کارون رفته دو سه روز ملاقات کرده مراجعت نمود تمام مابورین داخله و خارجه دیده اند، ولی خوب است وقایع نگار موصوف بی اطلاعی خود را بداند، که سردار ارفع و شیخ مبارک وصاتی نکرده اند، ولی مشایخ بنی طرف با شیخ غضبان شیخ بنی لام که رعیت عثمانی و در خاک عماره هستند وصات دارند، دختر خود را ده سال است به شیخ غضبان داده وصات کرده اند، و قوت غضبان و بنی لام بود که هیچ خود را مطیع دولت ایران نمیدانستند، امیداست انشاء الله مدبران جراید مخصوصاً در این نکات دقت نمایند

مخصوصاً در این ایام که گفتگوی نخطی و تجاوزات نشون عثمانی و در سرحد ساوجبلاغ رسیده جناب سردار ارفع رؤسا و مشایخ طوائف را در مجلسی جمع کرده و ذکر تعدی عثمانی ها را بیدان آوردند، همگی متفق الکلمه اتمام داشتند که هرگاه از اولیای دولتیه اجازه و اشاره بشود از این طرف ما هم قسم در جن فشان دولت و مات حاضریم.

کسی که اینطور در خدمات دولت و ملت حاضر و وطن خواه باشد نباید باین عنوانات او را مایوس نمود ، خوب است وقایع نگاران غرض را کنار بگذارند (الاقل علی)

حبل المتین

چندیست ما مصمم بودیم که در مسئله عراقستان اطلاعات خود را بمجلس مقدس شورای ملی تقدیم نمایم بملاحظه الامم فالامم هنوز موقع آن را نیافته ایم عملاً درین مقام پیش از این عرض می نمایم که هم قلمان محترم راست که ملاحظه وقت و مقام را از دست ندهند امروز موقع آن است که مخالفین را موافق قرار دهیم نه موافقین را مخالف از روزیکه حکومت سردار ارفع از جانب دولت علیه تسلیم شده مخالفی از او بظهور نه پیوسته و ما او را مخالف ستوانیم گفت دولت علیه و لاجبه و چجب و بیطرف را باوسپرد او که بشری دست تصرف نکرده اگر واقع مصوری درین امر وارد است بر رجال دولت وارد است امروز حیطه این سرحد معظم سپرده باوست داکتری او پیشتر از دلسردی وی نتیجه می بخشد ما امید داریم سردار ارفع در کمال سرعت انجمن ملی را در محرمه افتتاح نموده و کبلی هم در انجمن ولایتی دزفول گسیل دهد ما امید داریم از همراهی این مرد بزرگ عمایقرب بنادر محرمه نالی کلانگه گرود موضوع ترین مقاطع برای کار حاجت محرمه است اگر راه محرمه تا قصر شبرین تسطیح شود سالی صد کرود فائده تجارتی بایران خواهد رسید و همراهی سردار ارفع این امر در کمال سهولت انجام تواند یافت ملت و دولت و ارباب جرابد باید این سرحد در بزرگ خود را پشت گرم نموده کارهای بزرگ از او بگیرند ما بخت خودمان را درین موضوع بموقع دیگر میکذاریم چرا که مسائل هم تر ازین باره در پیش است بازم سخن خود ما را تکرار نموده عرض می نمایم که امروز وقت جنسان قضای می نماید ، ما مخالفین را موافق کنیم و موافقین را مخالف

مکتوب از اصفهان

لازم شد برخی از مطالب معلومه را بعرض برسانم که اگر قابل توجه است درج نامه مقدسه گردد -

نخست از قضیه فوجیه ارومیه و فتنه عثمانی ها ، خبلی تعجب است که قانون بین الدول همیشه این طور بوده که هرگاه دو دولت با هم نزاع می افتاده میدق آنها حداً میسواالیندند ، فدائم این مطالب چرا صورت وقوع نیافته ، و دیگر آنکه هر دولتی با دولتی هنرم جنگ میکرد اول باید اعلان بدمد ، اگر طرف مقابل مهیا و مستعد بود یا نبود ، اگر مستعد بود و مهیا که حاضر میکشت و گر نه حق استمهال داشت تا تهیه اشور نماید و نظام خود را مرتب و منظم سازد ، اولاً سئوال میکنم اگر اعلان کرده صحیح ، چرا اولیاء دولت ما تسامح و تکامل کرده اند ، و اگر کرده خلاف قانون است ، باید معین نموده ، و اگر خود سلطان راه فمه میکند که من آگاه نیستم چرا در صدد رفع فتنه و اخراج نایب فساد بر می آید ، درین صورت این دو دولت یا هر دو خلاف قانون نموده اند ما احدی هم ، بدو راست که این مطالب را غور رسی نموده و از روی قانون حکم نمایند ، ولی از آثار رسی آید که این حکایت زیر سر خود دولت علیه عثمانی است بدواً خیال پادشاهی این آشرب را در سرحدین آذربایجان و ساوجبلاغ انداخته

اول انصراف خیال رعیت خود را که چون ایرانیان مشروطه خواهند و بگویند مرور جهل و هشت دولت عالم وسط یا جمهوری یا مشروطی هستند چه عات درد عثمانی ، علم استعمال بر رخنه و کوس الولاسی میزند هر روز به يك طوری دست نمیدی بر مسلمانان باز میکنید از حکم و تبعید رعیت برون و برهم زدن مشروطه نه آئین مسلمانان است و گرفتن نظام وایره هی (لوه اسرار صرین) و هیچ کس را رهبر چرا گمتهن نیست ، يك روز حکم به قتل ارمانه و نیجه روس و انگلیس میکند يك روز متحصنین قونسولخانه انگلیس را تیر باران مینمایند ، آن ادیت های فوق العاده که بزوار و احماقانی که بمحج بیت لله میناید و و و ، یکی ننگفت چرا این کارها را میکند نه استبداد خود را در احط باید و همه مال مایه باشد که مستبدین شهرت داده اند که براسطه اعلاء کلمه مشروطه روانس را کافر و خارج از دین بداشته ، و فضاة آنها حکم بر قتل این يك مشت شبیه ضعیف داده اند ، و حال آنکه

قرآن متحد قبله متحد در اصول اتحاد داریم ، منتهی در بعضی فروعات اختلاف است و آنهم تأسیس از برخی جماعت مذهب است و گرنه از الدین ضد الله الاسلام والمسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه فریاد ماها بوا محمد و وا اسلاما بکره اثر میرسد ، چه علت دارد که نوع ما را میکشید و در خاک و خون میکشید ، این است رسم اسلام ، چرا مسلمان قرآن را باند نمی کنند و فریاد وا اسلاما نمی کنند شاید رحم به کبار و سفار کند و شرف اسلامیت را منظور دارد

حیال دوم او گویا این است که فهمیده ایران منقسم بین دو همسایه میشود ، خواست پیش دستی نماید که بگوید من هم رنده ام ، ولی این دو همسایه که معاهده را نوشته اند ، در نفوذ تجارت خود خدا رحم کند ، و یکی پیدا نشد بگوید چرا شاه ما را قسمت میکنند ، عیدام حس ها کجا رفته و چه شده فعلا ایران ما در محاسن عظیمة از دو طرف روس و انگلیس از دو طرف عثمان چون بلا آسمان هجوم آورده ، تمام دوابان ساکت ، مجلسیان هم که عیدام چه ملاحظه میکنند ، با دورات جزئیة برداخته اند و دیگران کار ایران را ساخته اند ، هنوز ما فهمیده ایم وزراء مسئول چه اشخاص هستند ، از هر ماحسی میپرسم اگر امروز يك روزه شبانی طرف باشد و شبان این روزه را در بیابان بی آب و عاقی بچگ جماعت گرگان بیکندورمه از هر طرف حمله نمایند و شبان ایستاده باشد و جاره جوش نکنند ، با آن شبان چه باید کرد ، میتوانند بگویند که اگر شبانی رعایت نماید دیگری را بر طایت خود برافرازم ، یا آنکه بخود گرگان پناه آوریم ، یا آنکه هر کدام بطرفی فرار نایم ، شبان چه جواب صواب دارد و چه باید کرد ؟ این وزرای که هم قسم شده اند چه میکنند ، اگر روز اول امر بانگ را صحیح نموده بودند حال از مطلق و بی پولی سر بزیر همه عالم نیورده ، مگر حال ممکن نیست جداً ایجاد تنگ کنند ؟ چه قدر جناب ملی و تمام جریده نگاران بانگ و فریاد کردند و بجای رسید ، مگر الان متمولین چه از دولت و چه از ملت وجود ندارند که جداً این کار را انجام بدهند ؟

فتنه های داخله را چه نویسم و چه کلاف ریسم ، ظهر الفساد فی البر و البحر ، مصداقش بمنصه ظهور رسیده ،

عیدام و کلاه و مجوین چهل یا سی کرور قیمت اوقات خود را صرف در چه کار مینمایند ؟ ما اصفهانیان که ماشاء الله فهمیدیم ، انجمن ما ولایتی است یا ایالتی است ، اگر و کلاه فقط باید ناطق باشند چرا این همه قیل و قال و فریاد از هر طرف بلند است ، نمی فهمیم بیش ازین نمی توان شرح داد ، انجمن بلدی خوب کار میکند ، کوچها را چراغ گذاشته اند ، نرخ دعال و هیزم را انحطاط داده اند و سایر چیزها خیلی فرق کرده ، اگر مفرضین و مفسدین بگذارند و هر روز آقای رئیس قهر نکنند بیم ملاحظه و راه رشوه از حروف اسقاط شود ، در سابق زمان استبداد در اشخاص بود فعلا استبداد نوعی شده ، از آقای شنه الاسلام شاکر هستیم که اصفاً خیلی زحمت میکشند مسامی حبیله ایشان روشن و هویدا است ، اگر اجراء قانون مقدس اسلام می شد پورد و نصاری و زردشتیان را اذیت نمیکرد مگر بحکم قانون آخر اینها به دردمه اسلام هستند نه همراهی با آنها تالیف قلوب میشود ، چرا باید آسوده خاطر نباشند در اسلام ما اذیت بهوری روا نیست چه جای بشر چه بود و چه نصاری این اشعار را بداهه عرضه داشتیم

- ز قانون شود پایها بایدار
- ز قانون متصر رود بایدار
- ز قانون نمیز حق و اطل است
- ز قانون مجارات هر قتل است
- ز قانون شود کار عالم درست
- ز قانون بظالم بود سخت سست
- ز قانون منظم جهان میشود
- ز قانون سفر چون جنان میشود
- چه قانون محك بر بد و نیک ماست
- بروخواجه زین بس نودر راه راست
- ره کج نیایی ز قانون بر است
- ره کج بود در دو قانون دو است
- ز قانون شود کنده بیخ فساد
- ز قانون سمر میشود عدل و داد
- برونجم خوش شکر قانون گذر
- ره راست خواهی ازین ره سیار

آسمان را حق بود گر خون بیارد بر زمین

بسیب حادثه عظیمه که در این اوقات بواسطه شهادت یک نفر مشروطه طلب خیراندیش وطن پرست روی داده شب تمام اهالی این بنده را تنگ ، تقصیل این بدبختی آنکه چنانچه در مملکت ایران رسم است که در هر محل و ولایت هر قدر که از مرکز دور تر است بازار ظلم و ستم رواجش بیشتر است بمقتضای این حکم کلی جبر و تعدی فوق العاده در نزد شیوع داشته و دارد تا اینکه در این اوقات مردمی که یکباره بستوه آمده بودند از تاثیر انقاس اهل جراثیم متنبه شده در خیال حفظ و حقوق خود افتاده اند ، من جمله مرحوم مغفور حاجی محمد تقی شهید که در صفات حسنه رحم و مروت و نوع برستی یکگاه دهر و فرید عصر طود بود در این ایام در استحکام مبانی مشروطیت و رفع ظلم از اینان نوع خودش بی پروا اقدامات مینموده و در صدد این بود که روز جمعه عید فطر انجمن ملی بزد را مفتوح نماید. این معنی بر طبع مستبدین که از اوائل امر بالا رفت با اوعداوی مالا کلام داشتند دشوار آمده و مشیرالممالک یاسم هالک که رئیس مستبدین است دستور العمل داده اعوان و اخبارش ابوالقاسم برادر آن شهید را محکوم شد که روز عید فطر صلح صیام در معبر عام بضر بگلوله روالور او را شهید ساخت و داغی را بر دل صاحبان غیرت و ارمانان رحم و مروت گذارد ، اکنون تمام اهل بزد مانم زده و سوگواری و در هیچ خانه سوای خانه مشیر و آباعش خانه نیست که صدای صیحه و ناله در آن بلند نیست ، اکنون قاتل در حرم حضرت معصومه آسوده متحصن است و جمعی مردمان گمراه که آن مکان مقدس را سرمایه کسب معیشت خود قرار داده اند و هر کس مرتکب هر جنایت و تقصیری میشود بجهت جلب منفعت خود او را پناه میدهند تا آنکه حکم قصاص از جمیع علماء صادر شده خدام و بستگان مشیر مساج و او را حمایت میکنند و مانع از اجرای حکم شرعیه اند ، و این مسئله سر باز مانم آمانیت استدعا داریم شرح حال این بچارگان را در جریده فریده درج فرمائید اهالی وطن هم از بدبختی این بچارگان مسبوق شده در

سوگواری شرکت نمایند و بدانند که تا چه حد گرفتار جنگال ظلم و ستم هستیم که از مال گذشته بر جان مان هم رحم نمیکند (اهالی و اصناف بزد)

مکتوب از اوز

(مردم از این باغ بری میرسد)
(نازه تر از نازه نری میرسد)

لوائح جراثیم ملبه که آواز دلا و بزشان زینت گوش جان و بیان طرب انگیزشان زبور هوش وطن پرستان همواره از باغستان معارفشان غنچه های تمدن در شکفتن است ، و از رواج فواج ازهارشان قلوب هوا خواهان مدنیت و مشام جان ملت را معطر و خواطر ظلم اسلامیت را روح و راحت میرسانند ، الحق که مژده هایشان همه دلپذیر ، و محاسن کلماتشان پسند خواطر هر برناو پیر است

(سزد که صفحه جابل المتین ملی ما)

(باب زر بنویسد مؤید الاسلام)

امید که زحمات فوق الطاقه جناب عالی که وجدان شریفش همیشه باین شعر عرب مترنم است و لله دره -
(یون علینا فی المعالی نفوسنا)
(و من طب الحسنة لم یفله المهر)

عنقریب با شاهد رعنائی سعادت هم آغوش و دخول ملت ایران بدائرة تمدن بچشم سر خواهند دید و از شجر اتفاق نمر وفاق خواهیم چید ، الحمد لله ثم الحمد لله که از نتایج بیانات حسنة بزرگان ملت رخ همت بطرف معارف گاشته دوا سیه مبتازند و بیادگان خویش که نوباوگان نهال وطن اند از پیش پای پیلان جهل نجات داده ، فرزین دانش قرین میسازند ، تا شاه خرد را مات نه بندند ، و بمدارج عالیای سعادت اندی نائل شوند ، هر سو در صدد احداث مدارس اند و هر جا بساط دانش و طریق بینش فراهم می آورند منجمله جناب معتمد الساطان آقای حاجی محمد حسین امین النجار بندر عباس که وجود با جودش معارف را باو ناز و دانش بزوهائرا بدرگمش نیاز دارند ، اینک نظر بانشار علوم متنوعه اسلامی و ترویج قانون شریعت غمراهی ، مصطفوی علی مقننا الف آلف النجیة والثناء در بلدة (اوز) که از نواح

حال خود و سفر طهران را اعلان نماید. و دل اخلاف وطن را از این اختراع و سفر جانگداز بسوزانم. دانم که بعد از قرن از وطن عزیز ما جانها برویند ~~که~~ راضی نشوند که يك نفر از وطن ایشان بخارج برود. که شاید خبری از خاک وطن در روی کفش آنها بخاک خارج داخل بشود. البته زماه در عوض وطن فروشان این زمان همچنان جانها برویند. آخر ای ایشای حاضر وطن از زمان حاجی میرزا آقاسی چندان طول نکشیده است که دست غیب تصویرش را در روزنامه آذربایجان اسباب مضحکه عالم ساخته است. هر روز آن سخن وطن را بشکلی دیگر یاد میکنند. هنوز این نامحرمان وطن که در قورخانه مبارکه با مخترع چه ها کردند از آب چشمه آب میخورند

- (بنفالت هر یکی در برده سازیت)
- (که داند اندرین برده چه بازیست)
- (اگر عمرم در این محنت سرآید)
- (زماه حال دیگر گرفت نباید)
- (از این غصه که من دارم شب و روز)
- (جهان سوزم بفریاد جهان سوز)
- (اگر بی میل شد پستان گردون)
- (بکافر پس چرا شیر و مرا خون)

خلاصه از مطالب دور ششم بعد از آنکه مظفرالدین شاه مرحوم تلگرافاً سیصد تومان مخارج مرحمت نمود بنده را به جایاری احضار طهران فرمود. در تاریخ ۱۷ صفر ۱۳۲۴ از تبریز تا زم طهران شده ۴ ع اول وارد طهران شدم بعد از وصول سرف زیارت دستخط هایون بدین مضمون صادر شد وزیر جنگ سی صد تومان دو ماهه به شخص مخترع مخارج بدهید. و در قورخانه مبارکه هر چه بخواهد حاضر نماید بعد از دو ماه که يك نوب ساحت يك فرار داد صحیح میگذارم

باری اینمطلب در نظر صاحب منصبان قورخانه خیلی گران واقع شد. بعد از چند روز که شاه مرحوم به پوشان تپه تشریف می برد امر شد درشکه را در جلوه قورخانه نگاه داشته فرمود مخترع مشغول است. عرض کردند خیر هنوز از راه تازه رسیده است. انشالله در ساحت مبارکه هایونی مشغول میشود. فرمود قدر او را بداید

لارستان من محال فارس است مدرسه بنام (امیلیه) احداث و تاسیس نموده. مصاریف تعمیر و ملزومات او با مخارج جهل شاگرد را هر ساله از کیسه قنوت خویش در عهده گرفته. و این مدرسه بتاريخ ۱۲ شهر ربيع الاول سنة (۱۳۲۵) افتتاح گردیده. و از جمله آثار خیریه عصر معدلات عصر مشروطیت محسوب است فی الحقیقه (چنین کنند بزرگان چو کرد باید) کار و از احداث اینمدرسه چنین اراده و قصد فرموده اند که طلاب مدرسه موصوفه پس از تحصیل اصول و خروج دین و اخذ مبای علوم اسلامی هرگاه در کالج های خارجیه بجهت آموزش السنة اجنبیه داخل شوند از دیانت خویش و طریق اسلامیت آگاه بوده پس از خروج از اسکولها روزه خور خوان نیوتون و غالول وغیره نشوند. و مانند بعضی فرنگی مآبان تا واقف رفتار و حنجر بادریان را بر صراط مستقیم اسلامیان ترجیح نداده باشند. الحق این رای دور بین آقای حاجی امین التجار قابل تحسین و شایسته تعجب است و حضرات نجار اوزی ساکنین عباسی و لنکه نیز ناسی از جناب معظمه نموده هر کدام مبنای اعانه باین مشروع نافع یدل فرموده اند که این هم دلیل بر اتفاق و همراهی معارف است. لهذا بمصدق (لان شکرتم لازیدنکم) محض تشکر از مکارم آقای حاجی امین التجار خصوصاً و از نجار اوزی عموماً بدین چند عبارات عرض و محاورت رفت امید که مدیر روشنفکر ملاحظه حدیث انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال محض از برای خوشوقی هواخواهان معارف در نامه مقدس درج و انتشار فرموده باشند والله اعلم بالصواب (مخلص شاه محمد هادی اوزی)

اثبات مظلومیت

روی سخن بر آن کسانیست که شب بخيال وطن میخوانند. و صبح بر آرزوی وطن بیدار می شوند. سخن نرائند بجز در آبادی و عزت و شوکت وطن. همیشه با مدعی وطن با جان بازی میکنند. چنانکه از اطراف عالم لوائح آرزو مندی مینویسند. و چگونه اختراع (توب مساسل) را از بنده درخواست مینمایند. در اینصورت لازم آمد که برای مورخین عصر شرح